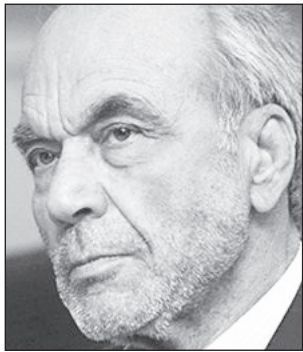


ملاحظات در باب روشنفکری دینی

دکتر رضا داوری اردکانی بخش دوم و پایانی



روشنفکری دینی در مفهومش چیزی است مثل مثلث هشت ضلعی یا آهن گچی یا آبغوره فلزی. این مفهوم اگر در جهان مصداق ندارد، در کشور ما مصداق ندارد، در کشور ما است به بعضی غیرایرانیان هم چنین صفتی بدهیم. آمریکای لاتین هم که یک نهضت دینی به‌وجود آمده است، نشینده ایم که به صاحبان آید فکر و نهضت، صفت روشنفکر داده باشند، پس در این تردید نمی کنیم که در کشور ما روشنفکر دینی وجود دارد و کسانی هستند که به این صفت شناخته می‌شوند. گاهی هم به آنها نواندیشان دینی می‌گویند. البته نواندیش دینی معلوم نیست لفظ درستی باشد، اما به هرحال روشنفکری دینی غیر از نواندیشی دینی است. شاید روشنفکری دینی در آغاز رنسانس نواندیشی بوده است، اما اکنون دیگر تکرار حرفهای قرون شانزدهم و هفدهم اروپا را نباید نواندیشی دانست.

پروتستانتیسم، نواندیشی دینی بود. بنیانگذاران رفورم، کلیسا و کلیسائیان را نقد کردند. «بوکاچیو»، نویسندهٔ ایتالیایی نیز کتابی نوشت به اسم «دکارمون» و در آن به شدت کلیسا و کلیسائیان را نقد کرد. در کتابهایی که در سیاست نوشته شد، کمتر جایی برای دین در نظر گرفته شده بود. این نقدها را کسی روشنفکری دینی نخواند. شاید کاری که لوثر کرد و بعد افراد دیگری در پی او آمدند و آن را ادامه دادند، صورتی از نواندیشی دینی با یک نوع تفسیر جدید مسیحیت بود. تفسیر جدید در درون مسیحیت و مأخوذ از منابع آن. در آن زمان هنوز مدرنیته به وجود نیامده بود. وقتی مسیحیت، کاتولیک را نقد کردند و تفسیر تازه پیش آوردند و عهد جدید را به زبان آلمانی ترجمه کردند، از درون مسیحیت و با مالک‌های مسیحیت، مذهب پروتستان به وجود آمد، اما گاهی هست که دین را با موازین غیر دینی نقد می‌کنند. نام این را دیگر نمی‌شود دینی گذاشت.

کار «لوثر» یک کار دینی است، اما اگر شما با مفاهیم مدرنیته دین را نقد کردید، اسم آن را نواندیشی دینی نباید گذاشت. هرکس هرچه می‌خواهد بکند، اما اگر دین را تفسیر به رأی کرد، هرچه بشود، متفکر دینی و نواندیش دینی نیست؛ حتی اگر متفکر باشد. متفکر غیردینی است؛ منتها دارد دین را مثلاً متجدد می‌کند.

ما تعدادی شرق‌شناس، اسلام‌شناس را می‌شناسیم که اطلاعات بسیار خوبی درباره اسلام دارند. آنها اسلام را احياناً با مبانی خودشان تفسیر کرده اند. آیا به اینها نام روشنفکر دینی می‌توان داد؟ اگر به مقام بلندی برسند که معمولاً نمی‌رسند، شاید بشود گفت اینها متفکر دینی هستند، اما نواندیش دینی نیستند؛ زیرا نوسازی دین با مواد بیرون از دین نوسازی دینی نیست و با آن دین دین دیگری می‌شود؛ یعنی تبدل پیدا می‌کند. اگر تبدیل چیزی به چیزی را نونشدن می‌گویید، مسامحه است و مضایقه ای نیست.

در دوران ۴۰ ساله اخیر در کشور ما جریانی پیدا شد که ریشه در قرن ۱۸ اروپا داشت. در تمام طول تمدن جدید، کلیسا و مسیحیت نقد شده است و کوشیده‌اند که مسیحیت از دایره حکومت و قدرت کنار گذاشته شود و سکولاریزاسیون به وجود برسد. کسی هم بحث از سکولاریزاسیون نمی‌کرد. این امر طبیعی و عادی صورت می‌گرفت.

مدرنیته در ذات خود سکولاریزه است. جامعهٔ سکولاریزه، دین، مسجد، کلیسا، روحانی، آداب و رسوم و عبادات دارد، اما اینها امور فردی و عرضی است. مگر در غرب، در اروپا، در آمریکا، در آفریقا و در آسیا مراسم اینی انجام نمی‌شود؟ مگر دین وجود ندارد؟ دین هست اما در قواعد حکومت، در قانون و در انتظارات دخالتی نمی‌کند و ندارد و اگر اکنون می‌بینیم که یک بیداری دینی در دنیا پیدا شده است و رجوع به تفکر دینی و به حقیقت دین می‌شود، آیا برای کسانی که به نام روشنفکری دینی از مدرنیته دفاع می‌کنند می‌توان سمت و صفت دینی قائل شد؟

مدرنیته را بد و شر نمی‌دانم. من ضد مدرن نیستم، اما می‌گویم اگر کسی بیاید و بگوید که من روشنفکر دینی هستم و به نام دین علائتم و به با خشونت، بلکه از روی مهر و معرفت و صفا، در مقابل ظلم قدرتهای جهانی می‌ایستم، این امر وضع را روشنفکری دینی می‌توان گذاشت.

البته اگر کسی می‌گوید که من به نام دین از مدرنیته دفاع می‌کنم، آزاد است این کار را بکند، اما اگر دعوی روشنفکری دین داشته باشد، این دعوی جای بحث دارد و باید پاسخ بدهد که چگونه به نام دین، از قواعد و اصول و رسوم مدرنیته دفاع می‌کند. وقتی دین را در تفسیر می‌کنند تا مدرنیته دوام داشته باشد، گمان نمی‌کنم که این مقصود حاصل شود.

اگر ما بگوییم که متعلق به زمان مدرنیتم، از یک جهت درست گفته‌ایم، اما اگر بگوییم مدرنیته جزء اعتقادات ما محسوب می‌شود، مفهبد دیگری است. مدرنیته بد نیست. اصلاً هیچ چیز در تاریخ و در دار وجود بد نیست. سراسر بخشش جانان طریق لطف و احسان بود اگر تسبیح می‌فرمود اگر زنار می‌آورد

و مطلب آخر اینکه اگر می‌بینید روشنفکری دینی در کشور ما نفوذ کرده است، جهات خاص تاریخی و فرهنگی دارد و یکی از جهاتش این است که مدرنیته قوی است و بنیان قوی دارد و به تدریج رواج اولیه و نیروی کار ارزان جهان را در تصرف می‌آورد، بلکه اذهان را مستخر می‌کند و هرچا لازم باشد، قوهٔ تمیز و تفکر را از کار می‌اندازد.

دشواری ما در درک جهان کنونی و شیفتگی نسبت به

ظاهری‌ترین وجوه و آثار ناشی آن از کندی فهم و کوتاهی ادراک

نیست بلکه قدرت غرب حجاب عقل و ادراک می‌شود و کسان

می‌پندارند که دستگیر و رها نمی‌باشند و چون راه غرب تا آنجا

که چشم می‌بیند، راه یی رقیب می‌نمایند، این پندار را بی‌چون

و چرا می‌پذیرند. اگر کسی دردمندانه شکوه کند که

لعلی از کان مروت برپایید ساهلست

تایش خورشید و سعی باد و باران را چه شد

شاید از زبان حضرت لسان عقیده پاسخ بشنوند که:

طالب لعل و گهر نیست وگر نه خورشید

همچنان در عمل معدن و کان است که دوست

ما سخن متوسطه، اندیشه متوسط و علم متوسط را بدست

می‌داریم. ما این متوسط‌ها را کامل و عالی می‌انگاریم و ملاک

ما همین متوسط‌ها یعنی امور عادی و معمولی است.

روشنفکری دینی هم وقتی به غرب رو می‌کند، دست در

دامن متوسط‌ها می‌زند و حرفهای متوسط می‌زند و دریا که

تأیید و انکارش هم با اندیشه متوسط صورت می‌گیرد و اگر غیر

از این باشد، منتقد مورد عتاب و خطاب شدید قرار می‌گیرد.

اگر می‌گویند بدینیم، استدعا می‌کنم یکی دو کتاب یا

مقاله – زیاد خواه نیستیم، بیست کتاب و سی کتاب نمی‌خواهم–

متعلق به دهه‌های اخیر به من معرفی کنید که متضمن فکر بکر

و نظر بدیع و راهبایی در جهان اعتبار باشد. شهرت زودگذار

ملاک نیست و صرف شهرت ملاک اعتبار نمی‌شود.

من خوشحال نیستم که روشنفکری دینی رو به افول

می‌رود ولی می‌دانم که تفکر می‌ماند. ما باید از نزاعها بگذریم

و به فکر تفکر باشیم.

اشاره: آنچه در پی می‌آید متن سخنرانی آیت‌الله دکتر سید مصطفی مصطفی داماد در روز جهانی فلسفه است که در مدرسه عالی شهید مطهری ایراد شده است.

نوع بینش فیلسوف با دیگران متفاوت است. فیلسوف می‌خواهد جهان را فهم کند، یعنی می‌خواهد تصویری صحیح و نسبتاً جامع و کامل از جهان در ذهن خود داشته باشد.

از نظر فیلسوف حد اعلای کمال انسان به این است که جهان را آنچنان که هست با عقل خود دریاد؛ به‌طوری که جهان در وجود او وجود عقلانی بیابد و او جهانی شود عقلانی. لهذا در تعریف فلسفه گفته شده است: «الحکمه هی صیوره الانسان الانسان عالمًا عقليًا مضاهیه للعالم العینی»؛ یعنی فیلسوفی عبارت است از اینکه انسان جهانی بشود عقلی شبیه جهان عینی.

البته این هدف ومقصود برای حکمت نظری است. شاید دعایی که به رسول‌الله(ص) منتسب است:«اللهم ارنا الاشیاء کما هی» یعنی خدایا هستی را آنگونه که هست، به من بنما. یا به نحوی که ای بنی جمهور احساسی در کتاب «عوالی الثانی» آورده: «رب ارنا الحقایق کما هی»؛ یعنی خدایا حقایق را آنگونه که هست، به من بنما.

پیامبر(ص) از خداوند حکمت نظری را خواسته ولی نه فهم آن را، بلکه رویت آن را، و حکیم فهم آن را می‌جوید. رویت یعنی مشاهده قلبی. برای حکیم آنچه تحقق می‌یابد، فهم نظری است.

خواسته این دعا دقیقاً همان است که ابراهیم خلیل(ع) از خداوند خواسته وقرآن مجید نقل فرموده است: «وَبَ هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْهِنِّي بِالْضَالِحِينَ»(شعراء/۸۳)

در این جمله ابراهیم دوچیزخواسته است: یکی نه فهم آن که از طریق علم حصولی حاصل می‌شود، آنچه ابراهیم خواسته، رویت ومشاهده است که ازطریق علم حضوری حاصل می‌شود. این راخود قرآن در جای دیگر فرموده: «وَكُلَّك نَرٰی ابراهیم ملکوت السموات والارض»(انعام/۷۵) یعنی ما ملکوت اسمانها وزمین را به آن ابراهیم نشان دادیم. منظور از ملکوت یک شیء باطن وحقیقت آن است. بنابراین به موجب این آیه دعای حضرت ابراهیم (ع) مستجاب شده است. این اولین خواسته ابراهیم بود.

خواسته دوم آن است که او را در زمره صالحین قراردهد. قرارگرفتن در زمره صالحین هدف ونتیجه حکمت عملی است. مقصود و هدف و نتیجه حکمت عملی آنست که روح بر بدن مسلط شود، بدن تابع و مطیع عقل گردد. نتیجه جکمت عملی آنست که عقل عملی به گونه مقتدر می‌شود که قوای غریزی و طبیعی را به نقطه اعتدال برساند و از افراط و تفریط حفظ کند.

مفاد دعای فوق آن نیست که عمل صالح انجام دهد، زیرا انجام عمل صالح می‌تواند گاه از کسانی رسد که دیگر مرتکب لغزش می‌شوند، ولی «صالح» مرحله‌ای بالاتر است. صالح کسی است که از هر رجس ویلیدی پاک و مطهر شده است. در سوره بقره خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ يَرْزُقْ عَن مِلِّهِ اِبْرَاهِیمَ اِلَّا مِمَّنْ سَفَهَ نَفْسَهُ وَ لَقَدْ اَضَلَّاهُ وَ اَلَّهٖ فِی الْاٰخِرَةِ لَمَنِ الصّٰلِحِیْنَ»(بقره/۱۲۰) چه کسی از گیش ابراهیم روی نمی‌تابد جز آنکه خود را بی‌خود ساخته باشد؟ ابراهیم را در دنیا برگزیدیم و او در آخرت نیز از صالحین است.

ملاصدرا می‌گوید: «أما النظر به فاعیتها انتقاش النفس بصوره الوجود علی نظامه یکماله و تمامه- و صبروهرتا علما عقلیا مشاهبا لبعالم العینی لا فی الماده بل فی صورته و رقبته و هیاته و نقشه و هذا الفن من الحکمه هو المطلوب لسید الرسل المسئول فی مدائه (ص) اِلٰی ربه خالق ال: رب أرنا الاشیاء کما هی. و لیست فی الخلق(ع) ایضا ضمن سأل رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا و الحکم هو التصدیق بوجود الاشیاء المستلزم لتصورها ایضا و اما العلویه فتمرتها مباشرة عمل الخیر لتحصیل الهیته الاستعلاویه للنفس علی البدن و التقادیره الافتقاریه للبدن من النفس و اِی هذا الفن اُشار بقوله (ع): تخلقوا باخلاقه.

واستدعی الخلیل ع فی قوله وَ الْهِنِّي بِالْضَالِحِیْنَ وَ اِلٰی فنی الحکمه کلیها اشهر اِلٰی الصّحیفه الالهیه لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِی اَحْسَنِ تَقْوِیم و هی صورته التی هی طراز عالم الامر ثُمَّ رَدَدْنَاهُ اَسْفَلًا سافِلِین و هی ماده التی هی اِلٰی اصنام العظمه الْکَثِیفَه اَلَّذِیْنَ اَمَنُوا اِشْراره اِلٰی غایه الحکمه التفخیره وَ عَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ اِشْراره تمام الحکمه العملیه.»

تاثیر حکمت در زندگی روزمره بشر

حال ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا حکمت در زندگی این جهانی و روزمره ما تاثیری ندارد وکاملاً منفک است یا موثر؟ و اگر موثر است، چگونه حکمت به زندگی روزمره ما سرایت می‌کند؟ چگونه می‌تواند زندگی را بهینه‌ سازد؟

در پاسخ این سؤال که بسیار مهم است، دنیای مغرب زمین راهی را پیش گرفته که معتقد است اساس همه زندگی، اقتصاد، سیاست و همه مبتنی بر فلسفه است. ودربان موضوع سخن بسیار گفته شده است.

اواما به این سخن که برای من پیش بینی شده می‌خواهم به این ابعاد آن اشاره کنم وآن تاثیر فلسفه در دینداری ونوع آن است که به یقین به زندگی روزمره ما ترجمه می‌شود.

دینداری حکیمانه‌با دینداری غیر حکیمانه بی‌گمان متفاوت است. من برای این مدعا یک شاهد تاریخی دارم و یک تحلیل فلسفی. ما شاهد عملی وتاریخی- که گواه عاشق صادق در آستین پدیده‌اند تاریخ ازماریشگاه علم اندیشا، است. نگاهی به تاریخ یونانیک، به تاریخ زندگی بشر، از آغاز تا کنون و حتی هم اکنون و در همین لحظه‌ای که ما در اینجاست نشسته‌ایم، دیندارانی بوده و هستند که به نام دین، ساطور به دست، به جان این و آن افتاده و آرامش را از زندگی انسانهای دیگر سلب کرده‌اند و برای رسیدن به بهشت برین زندگی دیگران را به هیچی سوزان مبدل ساخته‌اند.

همین داند ازاین سفاکان سابقه تحصیلات عقلی نداشته‌اند. ابوبکر بغدادی در زندگی خودنوشت خویش

مضامین کتابی

منوچهر بزرگمهر

تألیف:احمد راسخی

لغت‌روی

ناشر: کویر

چاپ اول: ۱۳۷۵

ص-۹۰۰۰ تومان

بزرگمهر به عنوان مترجم آثار فلسفی در زمره پیشگامان و مشعل‌دارانی به شمار می‌آید که در شناسایی فلسفه تحلیلی و فیلسوفان چیز در آغاز دستی در رشته حقوق تجزیه‌گرای غرب به زبان فارسی داشت و شغل دیوبانی و ادبیات خود صاحب کرسی است. گسترش را در همین زمان در صنعت نفت تفکر این مشرب فلسفی طی چند اختیار کرده و به مناصب بالای



نظرها و اندیشه ها



سوابق تحصیلی خود را مشروحاً نگاشته است. آنچه اصلاً بویی نکرده کتب عقلی است. من مکرر آن نیستم که ممکن است شخص تحصیل کرده یا استاد فلسفه هوای نفسش بر وی غلبه کند و با به قدرت رسیدن، خونریز شود؛ ولی بعید می‌دانم خونریزی او مبتنی بر اعتقادات دینی باشد و از انگیزه دینی نشأت بگیرد. برای تحلیل فلسفی، بایدنگاهی به تعاریف فلسفه بیندازیم.

ابویوسف یعقوب بن اسحق کندی (۱۸۵–۲۶۰ ه‍.ق.)، برای تعریف فلسفه چنین آورده است: «التَّشْبیهُ بافعال الله تعالی بقدر طاقه الانسان»؛ فلسفه: تشبیه به افعال خداوند تعالی است به انداز طاقت وتوان انسان.

فلسفه ودینداری

آیت‌الله دکتر سید مصطفی مصطفی داماد



اخوان الصفا نیزمانند تعریف کندی ارائه کرده اند: «الفلسفه هی التشبیه بالاله بحسب الطاقه البشریه»؛ یعنی سبب در کتاب فارسی خود با عنوان «ادشنامه علایی» فلسفه را چنین تعریف کرده: «...دیگرکنار بود که ازاله هستی چیزها، ما را آگاهی دهد تا جان ما صورت خوشی یابد ویک بحث آن هیرمان هستی. اگر دراین میان ابن رشد اندلسی فلسفه را با خداوند پیوند می‌دهد وعبارتی چنین می‌نویسد: «الفلسفه لیس شیا اکثرمن النظر فی الموجودات و اعتبارها بر وجه دلالتها علی الصانع». یعنی فلسفه به نظر نزنمودن درموجودات و بررسی آنها از جهت دلالت آنها بر صانع چیز دیگری نیست.»

این رشد درمتن فوق فلسفه رادینداری برای شناخت صانع جهان دانسته است؛ البته نردبانی عقلانی.

از نظر فیلسوف حد اعلای کمال انسان به این

است که جهان را آنچنان که هست با عقل خود

دریابد: به‌طوری که جهان در وجود او وجود

عقلانی بیابد و او جهانی شود عقلانی

از نظر فیلسوف حد اعلای کمال انسان به این

جای گفتگو نیست که خداوند مثل ندارد: «لَیس کمله شیء»؛ خدا مانند ندارد. پس مراد از تشبیه بالا همان است که در روایات ما آمده است: «تخلقوا باخلاق الله»؛ که ما را مأمور کرده‌اند به اخلاق خدا متخلق شویم. اخلاق خدا همان است که در فلسفه وکلام گفته می‌شود. صفات خدا همه صفات زیبا در الله هست، اصلاً کلمه الله به معنای «المتشجع لجميع صفات الحسنی» است؛ یعنی آن ذاتی که دارای همه زیبایی هست، آن ذاتی که دارای همه اخلاق نیک است.

معرفت به خدایی که دارای صفاتی است و آن صفات بنی ذات اوست، مستقیماً در زندگی روزمره ما موثر است. خدایی که عالم است، قادر است، رحیم است، رتوف است، رازق است، عطف است، و آنچه زیبایی است، تجلی پروردگار است.

کسی که با معرفت عقلانی دیندار می‌شود، اولین قدم دینداری خدانشناسی است. خدایی که او می‌شناسد، مستجع همه زیبایی‌هاست، رحیم ورحمان است. خدایی که عین رحمت است؛ چگونه می‌توان پذیرفت که دستور خونریزی وسفک دامه صادر فرماید؟ جالب است این گونه نگاه، گاهی برای افرادی مانند محی الدین ابن عربی مشکل توجیه عذاب را مطرح ساخته است. عارفانی مانند او دست به چنان توبلانی رده‌اند که البته باظواهر قرآنی سازگار نمی‌نمایند. ابن عربی در «فصوصالحکم» که معروف‌ترین اثر وی می‌باشد، نخست با استناد به حدیث سقیمت رحمتی علی غصبی، ذات خداوند را رحمت نامتناهی معرفی کرده و به دنبال آن مدعی شده که با این وصف، جایی برای غضب الهی نمی‌ماند.

دهه هنگامی که می‌خواستند درباره فلسفه تحلیلی اطلاعاتی کسب کنند، معمولاً به سراغ آثار ترجمه شده او می‌رفتند. بزرگمهر در شرایطی صاحب کرسی فلسفه تحلیلی در ایران شناخته شد که نه درس اخلاق فلسفه، که خود آموخته فلسفه بود. رشته دانشگاهی را نه در رشته فلسفه، که سالیان دراز در رشته حقوق گذرانده بود. او بیش از فلسفه، قلمی و آموزشی او تا ویژگی‌های شخصیتی او پرداخته می‌شود. بزرگمهر در این زمان «در صنعت نفت در بخش دوم با عنوان «برقعات صاحبدا» تألیفات و سبک نوشتاری

یَزِیعُ قُلُوبَ فَرِیقِ مِثْمَمٌ ثُمَّ تَابَ عَلَیْهِمْ اِنَّهُ بِهَمَّ رُؤُفٌ وَحِیمٌ»(توبه/۱۱۷)؛ خدا توبه پیامبر و مهاجرین و انصار همه کافران و گنهکاران سرانجام نجات یابند. لیکن نهایت سخن وی آنست که اساساً عذابی در کار نیست، عذاب از «عذب» به معنی گوارا و دلپذیر بودن شیء است.^{۱۰}

رسول الله(ص) الگوست
جدا از نقد نظر ابن عربی، مسلم است که خداوند برای انسانها الگوهای تربیتی در روی زمین قرارداده و در رأس آنها برای ما مسلمانها شخص رسول‌الله(ص) است. نحوه رفتار او با مردم می‌تواند بهترین شاهد برای نظم این بود که خدا مهربان و بخشنده است؟
«هـ وَ الَّذِینَ جَاءُوْا مِنْ بَعْدِهِمْ یَقُوْلُوْنَ رَکِّبًا اَفْزَرَ لَنَاوْ لِاِخْوَانِنَا الَّذِینَ سَبَقُوْا بِالْاِیْمَانِ وَ لَا یَحِیْلُ فِیْ قُلُوْبِنَا اِغْلَا زُؤُفٌ اَمَّاوْا رَبَّنَا اَنْتَ الْوَدُوْدُ وَحِیْمٌ»(حشر/۱۰)؛ کسانی که از پس ایشان آمده‌اند، می‌گویند خداوند ما را که پیش و برادرانمان را که پیش از ما ایمان آورده‌اند و پیامز و کینه‌ گستانی را که ایمان آورده‌اند، در دلمان جای مله. پروردگارا، تو مشفق و مهربانی.

و یک بار این صفت رتوف به رسول‌الله(ص)

نسبت داده شده، به شرح زیر:
«لَقَدْ جَاءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ اَنْفُسِکُمْ عَزِیْزٌ عَلَیْهِ مَا عَشَمُ خَرِیْضِ عَلَیْکُمْ بِالْمُؤْمِنِیْنَ رُؤُفٌ وَحِیْمٌ»(بقره/۱۲۸)؛ آینه پیامبری از خود شما بر شما مبعوث شد، هر آنچه شما را رنج می‌دهد بر او گران می‌آید. سخت به شما دل بسته است و با مؤمنان رتوف و مهربان است. مقایسه مولد استعمال کلمه رتوف در مورد خداوند با موردی که در باره رسول‌الله است، نشان می‌دهد که این خصلت الهی است که در رسول‌الله تسجلی یافته است.

ودود

این واژه در آیات زیر آمده است:
«وَ اسْتَغْفِرُوْا لِحُمْزِکُمْ ثُمَّ تُوْبُوْا اِلَیْهِ اِنَّ رَبِّیْ رَحِیْمٌ وَدُوْدٌ»(هود/۹۰)؛ از پروردگارتان آمرزش بخواهید. به درگاهش توبه کنید، که پروردگار من مهربان و دوست‌دارنده است.
«وَ هُوَ الْغَفُوْرُ الْوَدُوْدُ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِیْدُ»(بروج/۱۴).

«ودود» صیغه مبالغه از «ودّ» یعنی محبت است. برخی مفسرین ودود را به معنای اسم مفعول گرفته اند، مانند «رکوب» به معنای مرکوب؛ ولی ظاهر خطاست. «ودود» در اینجا معنی فاعلی دارد نه مفعولی. زیرا تناسب با وصف «غفور» که قبل از آن آمده، ندارد؛ زیرا هدف بیان محبت پروردگار نسبت به بندگان است، نه علاقه و محبت بندگان نسبت به او.

البته در قران مجید موده و محبوب شدن برخی انسانها را برای انسانهای دیگر از افعال الهی دانسته است، مثلاً در مورد رابطه زن و مرد فرموده «وجعل بینکم موده ورحمه»(روم). نیز در آیه دیگر: «اِنَّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَ عَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ یَسْجَعِلْ لَهُمُ الرَّحْمٰنُ وُدًّا»(مریم/۹۶).

به صراحت قرآن عامل محبت خداوند است و عامل عداوت شیطان. تحریک به دشمنی با دیگران به دست شیطان صورت می‌گیرد و تحریک به محبت به دست خداوند است

خدای رحمان کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، محبوب همه گرداند.
محب رحمت الهی شامل همه انسانها می‌شود، به‌ایمان و عمل صالح است. هرچند وی از چرخ و فلک می‌پوشد و در میان اندوه دنیا است.
«قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّوْنَ اِلَهَ فَاَتَّبِعُوْنِیْ یُحِبِّکُمْ اَللّٰهُ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ ذُنُوْبَکُمْ وَ اَللّٰهُ غَفُوْرٌ رَحِیْمٌ»(آل عمران/۳۱)؛ بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید از من پیروی کنید تا او نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببامزد، که آمرزنده و مهربان است.

پیغمبر صلی‌له علیه وآله به عایشه فرمود : «اِنَّ الحسین فی قلوب المؤمنین محبةٌ مکتونة»؛ «بی‌تردید محبت حسین بن علی(ع) در سوبای دل مومنین وجود دارد.

خلاصه اینکه به صراحت قرآن عامل محبت خداوند است و عامل عداوت شیطان. تحریک به دشمنی با دیگران به دست شیطان صورت می‌گیرد و تحریک به محبت به دست خداوند است.
پی‌نوشتها:
۱. زواری، ملاهادی، منظومه، قسمت حکمت.
۲. عوالی الثانی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ص ۱۳۲ در جامع الأحادیث
۳. الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج. ۲۰ و ۲۱
۴. طباطبائی، سید جواد، مقاله حکمت دائره المعارف بزرگ اسلامی
۵. اشوان الصفا،مجموعه آثار،ج۳، ص۱۵۲.
۶. ابن سینا، دانش‌نامه علایی،ج۱، ص۶۸
۷. ابن رشد، فصل المقال، ص۲۹
۸. شوری، ۱۱
۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج۵۸، ص۱۲۹
۱۰. رکن: ابن عربی، فصوص الحکم، فصل سلیمانی، ص۱۵۷؛ فصوص دادودی، ص۱۶۵؛ فصل هودی، ص۱۱۴– فصل ابویی، ص۱۷۲.
۱۱. الفروق ۹۹– الفرق بین الحبّ و اللّوّد: أنّ الحبّ یکون فیما یوجب به الطّباع و الحکمة جمیعاً. و اللّوّد من جهة الطّباع فقط. اللّوّد لا یرى أنّ تقول: احبّ فلانا و أدّه، و تقول احبّ الصّلاّه. و لا تقول أدّه الصّلاّه، و تقول أدّه ذاک کان لی، إذا تمّنیّت وداهه، و أدّه الرجل وداّ و مؤدّه.
۱۲. بؤذ الانوار: ۲۳/ ۳۳، حدیث ۹۳؛ (الخرائج و الجرائح)

از رویکرد دوگانه و ناهمسازی‌ها و تقیضه‌گویی بزرگمهر سخن به میان آمده و جایگاه اخلاق را در دیدگاه روبرزیویستی موردبررسی قرار گرفته است.

فلسفی بزرگمهر و نظرات دیدگاری تخصصی آن آثار و دقتهای ویژه بزرگمهر در معادل‌سازی و معادلیابی اصطلاحات انگلیسی پرداخته است.
در بخش چهارم شکایت بزرگمهر در این بخش نظرات دیدگاه ویژه می‌پردازد. در این بخش دیدگاه ویژه او درباره میراث تمدنی و فرهنگی ایران و اسلام مورد بازکاوی قرار

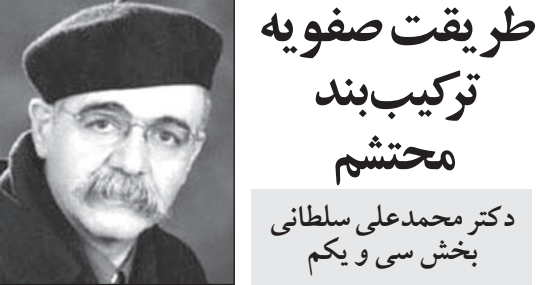
گرفته است.
در بخش پنجم

بزرگمهر موردبررسی قرار می‌گیرد و همچنین به‌عنوان نمونه، به پاره‌هایی از نژاد او اشاره می‌شود. «در کسوت ترجمه» عنوان سوبین بزرگمهر، کتاب حاضر است که به ترجمه‌های فلسفی بزرگمهر و نظرات دیدگاری تخصصی آن آثار و دقتهای ویژه بزرگمهر در معادل‌سازی و معادلیابی اصطلاحات انگلیسی پرداخته است.
در بخش چهارم شکایت بزرگمهر در این بخش نظرات دیدگاه ویژه می‌پردازد. در این بخش دیدگاه ویژه او درباره میراث تمدنی و فرهنگی ایران و اسلام مورد بازکاوی قرار

گرفته است.
در بخش پنجم

بزرگمهر موردبررسی قرار می‌گیرد و همچنین به‌عنوان نمونه، به پاره‌هایی از نژاد او اشاره می‌شود. «در کسوت ترجمه» عنوان سوبین بزرگمهر، کتاب حاضر است که به ترجمه‌های فلسفی بزرگمهر و نظرات دیدگاری تخصصی آن آثار و دقتهای ویژه بزرگمهر در معادل‌سازی و معادلیابی اصطلاحات انگلیسی پرداخته است.
در بخش چهارم شکایت بزرگمهر در این بخش نظرات دیدگاه ویژه می‌پردازد. در این بخش دیدگاه ویژه او درباره میراث تمدنی و فرهنگی ایران و اسلام مورد بازکاوی قرار

گرفته است.
در بخش پنجم



بیان این تعزیت که بر سر روضهٔ حضرت رسالت صلی الله علیه و آله واقع شد، از سرحد تقریر متجاوز است و نطاق نطق از احاطهٔ آن عاجز. اقامی و ادانی مدینه درین ماتم سهیم بودند و خواص و عوام ازین مصیبت در اندوه عظیم.

مطلقا در جهان کون و فساد کس چنین تعزیت ندارد یاد

و درو نیست ضرب‌المثل «خون کسی در شیشه ریختن» از این حکایت نشأت گرفته باشد. مولانا کاشفی در جایی دیگر به‌وضوح ریشه این ضرب‌المثل را که به حاحهٔ کرپلا بازمی‌گردد، ارائه نموده و از نورالامه نقل کرده است که در سحرگاه عاشورا با ندایی آسمانی در کندوکاو ام‌الکَلَمُوم از حضرت امام حسین (ع) نقل کرده است:

... پیش از این ساعت به یک لحظه نور باصره از فلک دفاع به افول رسید و مردم چشم از روزنه جان به نظاره گلشن ملکوت مشغول شد به حکم وراثت جملی صلی الله علیه و آله که «نمام عینای و لایمانی قلبی» چشمش در خواب و دلم بیدار بود، سگان دیدم که بر من حمله کردند؛ در میان آنها سگ پیسه از همه بر من خشنماکتر بود و من با خود گفتم که او مرا هلاک خواهد کرد و درین مورد که جلدم صلی الله علیه و آله این پیش من پیدا شد و گفت: «یا بنی: ای سپرک من و ای شهید آل محمد و ای مظلوم‌ترین فرزندان من، اینک به استقبال روح پاک تو ساکنان عالم بالا و مقربان ملا اعلی آمده‌اند و به مرتبه بزرگتر تو از بهشت باز می‌دهند. جهد کن که امشب افطار نزد من کنی و توفق و تأخیر جایز نداری» و همراه جلد صلی الله و سلمه علیه، فرشته‌ای دیدم آن حضرت فرمود که: «ای حسین، این کس را می‌شناسی؟» گفتم: «نی: فرمود که: «این فرشته‌ای است از آسمان فرود آمده با شیشه سبز تا خون تو را در آن شیشه ریزد و نگاه دارد.» اما کَلَمُوم به گریه درآمد. حضرت امام حسین علیه‌السلام گفت: «ای خواهر، اهل بیت مرا طلب کن که محل وداع است.»

الوداع ای دوستان، کاین دم سفر خواهیم کرد مسکن اصلی خود جای دیگر خواهیم کرد
ماکده[دراهم چون یوسف درین‌زندان]اسیر مصر عسرت را عزیزا[ما مقر خواهیم کرد حاصل دنیا متاعی نیست کان را قیمتی‌ست زو چو صاحب همتان قطع نظر خواهیم کرد ما از اینجا شاد و خرم می‌رویم از بهر آنک منزل استند بقعای زین خویتر خواهیم کرد هر که را عزم تماشای ریاض قدس هست گو مهیسا شو که ما زینجا سفر خواهیم کرد (کاشفی، ۲۷۲)

شیشه از سنگ است و «سنگ» هم در این ترکیب‌بند به هم در اعتقاد علویان صفوی جایگاهی ویژه دارد که به آن پرداخته خواهند شد.</

رونق معاملات بازار های فرابورس ایران

هفته گذشته معاملات فرابورس ایران با دادوستد ۹۳۵ میلیون ورقه بهادار به ارزش ۹ هزار و ۲۱۰ میلیارد ریال پایان یافت که در مقایسه هفتگی حجم معاملات با افزایش ۶ درصدی همراه شد اما ارزش آن کاهش ۱۹ درصدی را تجربه کرد.

به گزارش روابط عمومی فرابورس ایران:شاخص فرابورس و ارزش بازار هم در روز انتهای هفته ماقبل به ترتیب ارقام ۸۳۲ واحد و ۹۶۲ هزار و ۶۸۰ میلیارد ریال را به ثبت رساند که از رشد ۱/۵ درصدی افیکس در مقابل افت ۵/۵ درصدی ارزش بازار حکایت داشت.

در این میان رشد معاملات بازار سهام فرابورس نشان می دهد به ترتیب در بازارهای اول، دوم و پایه تعداد ۱۷۳، ۳۳۲ و ۳۳۳ میلیون سهم به ارزش ۳۴۴، ۱۳۹۹ و ۶۴۵ میلیارد ریال نقل و انتقال یافت که حجم و ارزش دادوستد سهام در بازار اول با افزایش ۹ و ۵ درصدی، در بازار دوم با افت یک و ۶ درصدی و در بازار پایه با رشد ۴ و ۳ درصدی همراه شد.

در بازار ابزاریهای نوین مالی هم که دادوستد ۵۶ میلیون ورقه بهادار به ارزش ۶ هزار و ۸۱۵ میلیارد ریال را تجربه کرد در حالی حجم معاملات اوراق افزایش ۱۰۵ درصدی را تجربه کرد که ارزش آن با افت ۲۳ درصدی روبرو شد.

در هفته ای که پشت سر گذاشتیم معاملات صندوق های سرمایه‌گذاری قابل معامله با رونق قابل ملاحظه‌ای همراه شده به طوری که ۵۱ میلیون ورقه به ارزش ۶۳۱ میلیارد ریال در EETF دست به دست شد که نسبت به هفته ماقبل افزایش ۱۷۰ درصدی را تجربه کرد.

در همین حال نقل و انتقال ۶ میلیون ورقه بدهی به ارزش ۶ هزار و ۱۱ میلیارد ریال و ۳ میلیون ورقه تسه به ارزش ۱۷۳ میلیارد ریال، ماحصل معاملات انجام شده در اوراق بدهی و اوراق تسهیلات مسکن در بازار ابزاریهای نوین مالی بود.

در بازار سهام فرابورس، فزرات اساسی‌ها هفته پررونقی را تجربه کردند به‌طوری‌که ارزش معاملات این گروه به ۵۲۴ میلیارد ریال رسید که با سهم ۳۰ درصدی از ارزش معاملات سهام در مجموع بازارهای اول، دوم و پایه، در صدر صنایع فرابورسی ایستاد. گروه‌های آبوه‌سازی و حمل و نقل به ترتیب با نقل و انتقال ۱۳۷ و ۱۲۰ میلیارد ریسل ورقه، سهم ۸ و ۷ درصدی از ارزش معاملات خرد بازار سهام را به خود اختصاص داده و در رده‌های دوم و سوم قرار گرفتند.

گروه‌های پالایشی، پتروشیمی، محصولات غذایی به جز قند و شکر و بانک‌ها هم در رده چهارم تا هفتم صنایعی ایستادند که بیشترین ارزش معاملات را تجربه کردند.

در این میان در آخرین روز معاملاتی هفته قبل گروه محصولات شیمیایی، اوراق تأمین مالی و فزرات اساسی با سهم ۱۸، ۱۲ و ۱۲ درصدی از ارزش کل بازار، سه گروهی بودند که بیشترین ارزش بازار را به نام خود ثبت کردند.

انتقال نماد شرکت همکاران سیستم از بازار اول فرابورس به تابلوی بازار دوم بورس تهران، دیگر رخداد هفته گذشته فرابورس ایران به‌شمار می‌رود.

این شرکت که در گروه رایانه و فعالیت‌های وابسته به آن قرار دارد در آخرین روز معاملاتی خود در فرابورس به تاریخ ۱۹ آبان دارای سرمایه ۳ هزار و ۷۱۰ میلیارد ریال بود.

گفتنی است طی آبان گذشته، فرابورس ایران ویداد هایی همچون تفکیک هسته معاملاتی فرابورس از بورس تهران، قطعیت معامله یک اختراع در بازار دارایی فکری، عرضه اولیه اسناد خزانه اسلامی مرحله نهم، عرضه عمده ۷۳ درصد از سهام غیرمدریتهی میدکو و انتقال دو شرکت پالایش نفت تهران و همکاران سیستم به تابلوی دوم بورس را پشت سر گذاشت.

بازار در یک نگاه

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (دوشنبه ۹/۹/۹۵)

مجموع حجم معاملات	۴۳۱ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۱۰۸۹/۳۷۸میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۴۶/۳۸۵ معامله
ارزش بازار	۳۳۹/۱۷۳ میلیارد ریال

جدیدترین آمراها نشان می دهد

که در ماه گذشته ۲۵ کده سهامداری برای نوزادان در کشور صادر شده و تهرانی ها بیشترین اسد که تهرانی ها بیشترین صدور کده سهامداری را در این مدت به خود اختصاص داده اند. آبل علیزاده دو روزه از اردبیل کوچکترین نوزادی است که مهر امسال کده سهامداری خود را از سمت دریافت کرده است و والدین آن پنج روز بعد، نخستین سهام را برای این کودک خریداری کردند تا آتیل کوچکترین سهامدار بازار سرمایه ایران لقب گیرد.

کوچکترین سهامداران بازار سرمایه

بر اساس این گزارش، والدین حناه رعیت حسین آبادی از تهران با خرید سهام در هشتمین روز، ابوالفضل حیدرپور از تهران در ۱۰ روزگی، رهام نجفی از تهران در ۱۲ روزگی، امیر علی حمزه در ۱۶ روزگی، طاهره اطمینان از شهرکرد در ۲۴ روزگی، محمدزکی گودزی یکنوا از تهران در ۲۵ روزگی برای نوزادان خود سهام از بورس یا فرابورس در خشان تهران در رتبه های بعدی کوچکترین سهامداران بازار سرمایه قرار گیرند.

صعود آرام ۶ شاخص منتخب بورس تهران

کشاورزی، واحدهای صندوق سرمایه گذاری پارتد پایدار سپهر، سهام سپهان صوفیان، اوراق صندوق ساخت توسعه ملی، اوراق مشارکت کارکنان نفت، سهام پارس خزر و شیمی دارونی داروپخش بیشترین تقاضا و سنگین ترین صف های خرید را تشکیل دادند.
این در حالی بود که گروهی از

در داد و ستدهای روز نخست این هفته بورس تهران، سهامداران بیش از ۶۷۸ میلیارد ریال سهم، حق تقدم و سبایز دارایی های مالی را دست به دست کردند.

در این روز همه شاخص بازار دوم

صعودی بودند. شاخص ۱۰ واحد مثبت شد و به عدد ۷۹هزار ۲۷۸ رسید. شاخص بازار اول ۸۲ واحد بالا رفت اما شاخص بازار دوم ۴۰۷ واحد افت کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)، در نتیجه داد و ستدهای اولین روز هفته بیش از ۶۷۸ میلیون برگه در بورس تهران دست به دست شد که ارزش این میبذلات یک هزار و ۴۹۴ میلیارد ریال بود که در ۵۳ هزار نوبت معاملاتی انجام شد.

طبق این گزارش نمادهای تایپکو، سرمایه گذاری معادن و فلزات، فرآورده های تزریقی ایران و ملی مس بیشترین تاثیر مثبت را بر شاخص کل داشتند.

ایسن در حالی بود که صنایع

پتروشیمی خلیج فارس، پالایش

نفت بندرعباس و هلدینگ نفت و

گاز پارسیان بیشترین تاثیر منفی را

بر شاخص کل داشتند و مانع رشد

بیشتر این متغیر شدند.

در بازار معاملات، گروه های

فلزات اساسی، سرمایه گذاری ها و

محصولات فلزی با بیشترین حجم

و ارزش معاملات در صدر برترین

گروه های صنعتی قرار گرفتند.

بیشترین رشد قیمت ها متعلق

به نمادهای فرآورده های تزریقی

ایران، پهنوش ایران، سپهان صوفیان،

پتروشیمی فارابی، پارس خزر،

چرخشگر و سپهان ایلام بود.

در مقابل نمادهای مارگارین،

لبیات کالبر، بیمه آسیا، سپهان

کرستان، ذغال سنگ نگین طبس،

تراکتورسازی ایران و حمل و نقل

توکا با بیشترین کاهش قیمت در

انتهای جدول معاملات نشستند.

سهامداران بورس برای خرید

سهام گسترش صنایع و خدمات

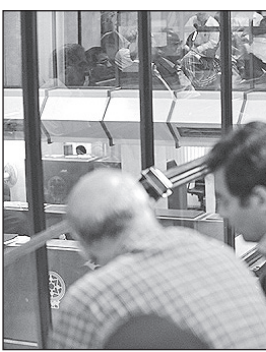
خبر دیگر اینکه تاکنون ۶ هزار و ۵۰۴ میلیارد ریال سهم دولتی توسط سازمان خصوصی سازی واکذار شده که از این میزان، ۱۹۸۷میلیارد ریال در بورس اول بازار، ۵۱۱میلیارد ریال در فرابورس و ۴۰۰۷میلیارد ریال از طریق مزایده به فروش رسیده است.
به قول واگداری به عموم مردم، در ابتدای امسال تاکنون ۶۵۰۴ میلیارد ریال سهم دولتی در بورس

بر اساس این گزارش، والدین

حناه رعیت حسین آبادی از تهران با خرید سهام در هشتمین روز، ابوالفضل حیدرپور از تهران در ۱۰ روزگی، رهام نجفی از تهران در ۱۲ روزگی، امیر علی حمزه در ۱۶ روزگی، طاهره اطمینان از شهرکرد در ۲۴ روزگی، محمدزکی گودزی یکنوا از تهران در ۲۵ روزگی برای نوزادان خود سهام از بورس یا فرابورس در خشان تهران در رتبه های بعدی کوچکترین سهامداران بازار سرمایه قرار گیرند.

صعود آرام ۶ شاخص منتخب بورس تهران

کشاورزی، واحدهای صندوق سرمایه گذاری پارتد پایدار سپهر، سهام سپهان صوفیان، اوراق صندوق ساخت توسعه ملی، اوراق مشارکت کارکنان نفت، سهام پارس خزر و شیمی دارونی داروپخش بیشترین تقاضا و سنگین ترین صف های خرید را تشکیل دادند.
این در حالی بود که گروهی از



ریال در فرابورس و ۴۰۰۷ میلیارد ریسل از طریق مزایده به فروش رسیده است.

همچنین از ۶ هزار و ۵۰۴ واحدهای صندوق پاداش سهامداری توسعه، سهام سرمایه گذاری آتیه دماوند و سپهان آرتا اردبیل بیشترین عرضه ها و طولانی ترین صف های فروش را تجربه کردند.

در پایان معاملات فوق،

سرمایه گذاری گروه بهمن در نماد

معاملات بلوکی، با داد و ستد

۱۳۷ میلیون سهم به ارزش ۱۸۵

میلیارد ریال بیشترین حجم و ارزش

معاملات را به خود اختصاص

داد.

گفتنی است میر علی اشرف

عبدالله پوری حسینی رییس کل

سازمان خصوصی سازی کشور

قبلا اعلام کرده بود واگذاری های

انجام شده در ۱۵اسال گذشته در

این سازمان در مجموع به ارزش

۱۴۲۰میلیارد ریال بوده که از جمله

در قالب واگذاری به عموم مردم،

رد دیون و سهام عدالت صورت

گرفت.

سرمایه گذاری برای نوین

سرمایه گذاری برای نوین

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی

خدمات مالی



نگاهی به فیلم قبیله من

سینما به روایت شخصی

نسبت بین زندگی و سینما را می توان در چند سبب مختلف و گاه درهم تنیده و حلقوی بازنمایی کرد. یکی از وجوه این بازنمایی، می تواند روایت فیلمساز از زندگی خویش باشد. جایی که هم زندگی به روایت سینما بازگو می شود و هم سینما در روایت زندگی بازنمایی می گردد.

«قبیله من» از آن دست فیلم هایی است که فیلمساز عشق خود به سینما را که در واقع همان قصه زندگی شخصی است، به تصویر می کشد. نوعی سینماتوگرافی به معنای روایت زندگی شخصی از طریق قاب دوربین و پرده سینما. فیلم هایی از این دست، کم نداریم و در تاریخ سینما می توان نمونه های زیادی از فیلم های را یافت که به نوعی ادای دین فیلمساز به ذات سینماست.



با این حال به نظر می رسد که قبیله من بیشتر یک فیلم شخصی است که شاید چندان برای مخاطب و حتی علاقه مندان جدی سینما هم جذاب نباشد. این که فیلمی بسازیم که بخواهیم عشق و علاقه خود را به سینما یا به هر چیزی نشان دهیم، چه جذابی برای دیگران می تواند داشته باشد؟ آیا سینما محل طرح خاطره ها یا علائق شخصی است که برای آن هزینه جمعی کرد؟

از این حیث به نظر می رسد که قبیله من، کمی اثری خودپسندانه یا خودنمایانه به نظر می رسد که روایتی از یک زندگی شخصی است. اما در پس این صورت می توان معانی غیرشخصی و نمادین را هم ردیابی کرد که فراتر از دغدغه های شخصی به طرح دغدغه های نوعی می پردازد.

به این معنا که گرچه از یک سو ما شاهد زندگی نامه بصری فیلمساز به روایت خودش هستیم، اما در پس آن می توان نوع و طیف آدم های سینمایی و فرایند زندگی آنها را که در پیوند با سینما و فراز و نشیب های آن در هم تنیده شده، جستجو کرد.

شاید بر همین مناسبت که فیلمساز نام اثر خود را قبیله من می گذارد تا تصویری از یک قشر و گروه اجتماعی که در پیوند با مقوله سینما، سرشت و سرنوشتی مشابه و مشترک دارند، در برابر مخاطب قرار بگیرد. تصویری که قرار است رنج یک عشق را به تصویر بکشد و البته این عشق واجد دو سویه انسانی و سینمایی است. از یک سو عشق ناکام رضا و زهره به تصویر کشیده می شود و از سوی دیگر به موازات این روایت، زندگی سینمایی یک فیلمساز و علائق اش به سینما نیز بازگو می شود. عشقی که البته به نظر می رسد در هر دو ساحت عاطفی و سینمایی اش ناکام مانده و تلخکامی یک فیلمساز را در عاشقی به نمایش می گذارد.

ادامه در صفحه ۲



«هدایت الله صحرایی»، رزمنده دفاع مقدس
بعد از سال ها در کنار عکس خودش در حرم مطهر رضوی

روز وصل دوستداران یاد باد
مبتلا گشتم در این بند و بلا

یاد باد آن روزگاران یاد باد
کوشش آن حق گزاران یاد باد

«حافظ»

در حال و هوای «اربعین» و ایام آخر ماه صفر

در جستجوی آواها و نواهای معناگرا

«شربانی» و «حسن زاده» ها؛ صداهایی به غایت ژرف و معناگرا. حال اگر این صداها بخواهند «آواز کلاسیک» بخوانند یا «مرثیه» و یا بانگ «اذان» سر دهند یا که «مناجات»؛ گیرایی و گیرندگی دارند. در ایامی نه چندان دور، بیشتر صداها چنین بود. چه شد که اغلب صداهای آوازی از «جاذبه برانگیزی» به «دافعه آمیزی» انجامید؟

آیا زمان آن نرسیده است که آواز خوانان جوان

وجود دارد که چندی پیش در یکی از شبکه های سیما، برنامه ای سینمما محور هم با این موضوع تولید و پخش می شد. به هر صورت کلیه فیلم های سینمایی از سطحی ترین آثار تا عمیق ترین آنها، حایز معانی پیدا و پنهان خاص خود هستند، ولی این کجا و آن کجا؟! باید دید «معنا» و حدود و ثغور آن در سینمای تجاری و مردم پسند تا به چه حد و مرز است و در سینمای هنری تا چه حدودی را در بر می گیرد.

در یکی از نوشتارهای در دست انتشار راقم این سطور، مطلبی عنوان شده که ذکر آن در بدو این مرقومه، خالی از لطف و به دور از مناسبت نیست. «ردیف موسیقی ملی که سرچشمه لایزال «ایده» و «ملودی» است، حایز حالات متنوع و بی شماری است. بیشتر حالات بشری در رپرتوار موسیقی ایران قابل درک و لمس است و اما به حالت مطبوع موسیقایی آن؛ به عنوان نمونه «مویه» ی ردیف، همان مویه و گریه است ولی موسیقایی است؛ «نهیب» ردیف، همان نهیب و تشر است ولی موسیقایی است؛ «معرید» ردیف، همان عربده و نعره است ولی موسیقایی است؛ جالب است حالتی چون «نعره» هم در حالات نغمات موسیقی ایرانی مسموع و محسوس است ولی حالت مطبوع موسیقایی دارد.

این نشان از لطافت نهانی این نوبت و ترتیب و زنجیره ی الحان است. حال این انصاف است که با «جیغ» و «فغان» و تولید صداهای عجیب و غریب از گلو که گاه - به عرض پوزش از ساحت محترم خوانندگان این سطور - به باد گلو و آروغ شبیه می نماید؛ حالات متعالی موسیقی ایرانی را زشت و ناپسند و گوش خراش جلوه نماییم؟! نوآوران و نوپرازان امروزی، خلافت را در چه می بینند؟ در «جیغ» و «سکسکه»؟! ... ای کاش که این جیغ ها لاقل قدری موسیقایی می بود. و افسوس که این عده اسب مراد را هم سوارند و میدان دارانه، یکه تازی می کنند.

این مباحث به غیر از حوزه «موسیقی کلاسیک» ایرانی و بیشتر هنرمندان فعال در این عرصه، در حیطه «موسیقی مذهبی اصیل» و اغلب فعالان این حوزه نیز قابل تعمیم است. اما در اینجا ذکر توضیحی کوتاه در خصوص صداهای «معناگرا» لازم و ضروری است.

ابتدا شاید نقدی به این عنوان صورت پذیرد که مگر صدایی عاری از «معنا» هم یافت می شود؟ بایستی در پاسخ به این سؤال متفقدانه اظهار داشت که در حوزه سینما، ژانری به نام «سینمای معناگرا»

این تعبیر و بسط آن در حوزه موسیقی و آواز هم دقیقاً همین مضامین را مشمول می گیرد. صداهایی که به محض خروج از دهان خواننده، شنونده را فارغ از کلام و مضمون و قالب و نوع خوانش، به قبض و بسطی روحانی و شنداری مبتلا می سازد. صداهایی که بیشتر جوششی است تا کوششی و در صد اکتساب در آنها نه این که مطرح نباشد بلکه در وهله دوم از درجه اهمیت قرار می گیرد. صداهایی از نسل «ذبیحی» و «بهاری» ها تا «صیحدل» و «موسوی قهار» ها، از «مراتب» ها تا «رفعتی» و «گلریز» و «امیر مداح» ها، از «مؤذن زاده» اردبیلی و «کریم خانی» ها تا «سادات رضوی» و

فعال در عرصه های «موسیقی اصیل» و «موسیقی مذهبی»، قدری به ریشه های خود و به خصوص به حال و هوای آثار غنی پیشینیان رجعت نمایند؟ آیا متولیان و مسؤولان رسانه های جمعی، شرایطی را فراهم خواهند آورد که در رسانه ها، شنونده و شاهد صداهایی از جنس سیداحمد مراتب و امیر مداح باشیم. چه بسا حضور مجدد این هنرمندان در عرصه های آوازی، موجب نجات آواز در حال احتضار باشد. امید است در وانفاسی که نفس های «آواز» (آواز)، به گسترده گی وجوه کارکردی و کاربردی آن، به شمارش و ثانیه افتاده، اقدامی صورت پذیرد.

■ مریم نظری

گفتگویی با «جهان درویشی» به خاطر برگزاری نمایشگاه «میان دو روز»

گذری بر نقاشی های مدرن دو نسل

«میان دو روز» عنوان نمایشگاه گروهی از آثار هنرمندان مدرنیست دیروز و امروز ایران است که از ۱۴ آبان در گالری «هنر امروز» گشایش یافته است و تا ۵ آذر ادامه خواهد داشت. در این نمایشگاه، آثار هنرمندان شناخته شده و پیشکسوتی چون آیدین آغداشلو، منیر فرمانفرما، اردشیر محمصص، فریده لاشایی، بهجت صدر، حسین زنده رودی، جعفر روجبخش، صادق تبریزی، حسین محجوبی، فرامرز پیلارام، سیراک ملکوتیان، منصور قندریز، ناصر اویسی، مش اسماعیل، علی اکبر صادقی، مسعود عربشاهی و نصرالله افجه ای در کنار هنرمندان مدرنیست جوانتر مانند سحر صالحی، داریوش قره زاد، آرش نظری، علیرضا آستانه، عادل فرزین، محسن فولادپور، ژاله طالبپور و علیرضا ملک جعفریان به نمایش و فروش گذاشته شده است.

در ارتباط با همین نمایشگاه با «جهان درویشی»، یکی از دو شریک گالری «هنر امروز» گفت و گویی ترتیب داده ایم که از نظر می گذرد.

ادامه در صفحه ۴



تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»



گلشن راز

گفتگو از: کریم فیضی ۱۷۱

قمار عرفانی

* ما در بحث از وحی و قرآن در کتاب «سروش و سرنوشت» پیرامون این موضوع بحث کرده‌ایم و نظر شما را درباره مزخرف بودن آقایان روشنفکران دینی می‌دانیم. شما معتقدید که وحی را باید درست فهمید. بیت بعدی:

ز هستی تا بود باقی بر او شین

نیابد علم عارف صورت عین
علم و دریافت عارف زمانی صورت عین و تحقق به خودش می‌گیرد که بی‌شین بشود؛ یعنی بی‌عیب و نقص بشود و این یعنی ترک تعلقات و دور شدن از انانیت. شین عار است، تا زمانی که شین هستی در وجود انسان باقی است، علم او نمی‌تواند عین‌الیقین باشد و علم‌الیقین خواهد بود و نظر. در این فرض می‌توان حقایق را بالعیان دید.

* بیت بعدی از موانعی حرف می‌زند که باید برطرف شوند تا نور وارد اندرون و جان شود: موانع تا نگرانی ز خود دور

درون خانه دل نایدت نور
نور در همه جا هست و به همه جا می‌تابد، اما همیشه موانعی وجود دارد که اجازه تابش تام و تمام را به نور نمی‌دهد. این موانع وابستگی‌ها و دلبستگی‌ها و جاه و مقام و امثال آن است که همه کم و بیش گرفتارشان هستند. با وجود این موانع، نور حق وارد دل نمی‌شود. پس باید موانع را برطرف کرد، تا حق بیاید. مراد از نور حق هم حق است، چون خداوند نور است. خداوند جای کسی را تنگ نمی‌کند که ما توهم می‌کنیم، وارد دل نمی‌شود.

* در واقع، این توهم و به‌طور کلی، توهمات هم جزو موانع درک خدا و نور خداست، اما شبستری در منظومه ذهنی و فکری و عرفانی خودش موانع را به چهار دسته تقسیم کرد، و راه‌هایی از آنها را هم چهار دسته طبقه‌بندی می‌کند:

موانع چون در این عالم چهار است
هارت کردن از وی هم چهار است
نخستین پاکی از احداث و انجاس
دوم از معصیت وز شرّ و سواس
سیم پاکی ز اخلاق ذمیمه است
که با او آدمی همچون بهیمه است
چهارم پاکی سرّ است از غیر
که اینجا منتهی می‌گرددش سیر
هر آن کو کرد حاصل این طهارات
شود بی‌شک سزاوار مناجات
تو تا خود را به کلی در نیازی
نمازت کی شود هرگز نمازی؟
چو ذات پاک گردد از همه شین
نمازت گردد آنکه قره‌العین

از تعبیر «همه شین» معلوم می‌شود که طرح این بحث و داخل شدن در موانع چهارگانه زدودن آنها، در واقع، تفسیر همان شین قبلی است که بیان کرد و گفت:

ز هستی تا بود باقی بر او شین
نیابد علم عارف صورت عین
شما به درستی اشاره کردید که این ابیات درصدد تفسیر شین مجازی و شین‌های هستی است و نیازی به طول و تفصیل هم ندارد. فقط اشاره می‌کنم که مصرع «تو تا خود را به کلی در نیازی» اشاره به قمار عرفانی و قمار عارفانه دارد که مقامی است بسیار رفیع و نبایست آن را با قمارهای دیگر یکسان گرفت.

ادامه دارد

نگاهی به رمان «شاهان دختر درانه». نوشته افسانه نیک پور

این دختر شبیه مادرش نیست

می‌افسد. او در بین راه در جاده‌ای که فقط بیابان خشکی است، دچار اغما می‌شود. راننده اتومبیلی که از پشت سورش می‌آید، با بوق‌های ممتد از شاهان می‌خواهد توقف کند. دختر ماشین را کنار جاده متوقف می‌کند و لحظاتی بعد هم از حال می‌رود.

راننده که مرد جوانی است، شاهان را با اتومبیل خودش به عمارت اربابی می‌برد. آن هم همان روستایی که شاهان باید می‌رفت: روستای بهارستان...

ارباب روستا مردی به نام میرفرهان خان است که دو پسر به نام‌های بهرام و بهداد دارد. او چندین



سال قبل با برادرش یاورخان، در نزدیکی روستایشان اقدام به برپا ساختن آبادی دیگری کردند و نام آن را سیزان گذاشتند تا اینکه دختر یاورخان به نام دردانه، بدون اجازه پدر با مردی به نام اسماعیل در تهران ازدواج کرده و به آمریکا می‌گریزند.

یاورخان هم خشمگین شده و ضمن اعلام محروم کردن دخترش از ارث، با نیرویکی از دندان‌های سالمش را جلوی مردم می‌کند و دور می‌اندازد و به همه می‌گوید این هم از دردانه من... او از آن پس گوشه‌گیر می‌شود و در عمارت خودش به تنهایی زندگی می‌کند...

بهرام بدون ترس از پدرش ماشین را جلوی عمارت نگه داشته و دختر نیمه‌جان را به داخل ساختمان می‌برد و بلافاصله دکتر را خبر می‌کند. بعد به اتاق پدرش می‌رود و ماجرا را شرح داد و نقشه همراه دختر را به پدرش نشان می‌دهد: او به اینجا می‌آمده، اما با چه کسی کار دارد، معلوم نیست.

روز بعد شاهان با میرفرهان خان رودررو

شده، ماجرای آمدنش از آمریکا و اینکه مادرش جعبه چوبی کوچکی برای پدرش داده و نام پدرش هم یاورخان است، شرح می‌دهد.

دو روز بعد هم او را به روستای سیزان می‌برند و با پدر بزرگش روبرو می‌شود. یاورخان ابتدا از پذیرفتن نوه اش سرباز می‌زند؛ چرا که هنوز کینه دخترش دردانه در اعماق جسم و روحش ریشه دارد، اما با اصرار برادرش سرانجام دختر را به اتاقش راه می‌دهد تا او را ببیند: شکل مادرت نیستی...

افسانه نیک پور با این قصه، خواننده را تا پایان داستان همراه خود می‌سازد. قصه‌ای جذاب و گیرا از سرنوشت آدم‌هایی که فکر می‌کنند از هم جدا هستند، اما تقدیر آنها را به می‌رساند:

شاهان فکرش را نمی‌کرد که دو ماه در خانه پدر بزرگ اخم‌پیش دوام بیاورد. خانه را هر روز تمیز و مرتب می‌کرد و این کار، یاورخان را به تعجب و می‌داشت؛ اما حالا خانه‌ای شده بود برای زندگی کردن.

شاهان روزی برای دوختن پرده‌های خانه، نزد پیرزن خیاط روستا می‌رود. آن روز وقتی پیرزن غریبه دانست که شاهان دختر دردانه و نوه ماهگل است، او را در آغوش گرفت و آنقدر گریست که سرشانه لباس شاهان از اشک‌های او خیس شده بود.

پیرزن از گذشته‌های دور و از زندگی مادر بزرگ شاهان تعریف کرد و او دانست که چطور مادر بزرگش در پانزده سالگی به عقد یاورخان چهل ساله درآمده و چهار فرزندش از زن اول یاورخان، مرده به دنیا آمده بودند و وقتی مادرش به دنیا می‌آید، مثل پنجه آفتاب بوده و او را به تهران می‌فرستند و بزرگ می‌شود؛ اما با مردی که دوستش داشته به آمریکا می‌گریزند و شاهان به دنیا می‌آید. پیرزن خیاط همچنین فاش می‌کند که زندگی دردانه و شوهرش هفت سال بیشتر دوام نیاورد و شوهرش به خاطر بیماری سرطان جانش را از دست می‌دهد. اما شاهان این را نمی‌دانست و فکر می‌کرد که پدرش او و مادرش را رها کرده و به ایران بازگشته است...

تابستان فرا رسید و بهرام به بهانه‌های مختلف به عمارت یاورخان می‌رفت تا شاهان را ببیند و سرانجام هم یک روز به همراه پدرش به خواستگاری شاهان رفت و چهار شب بعد هم نامزد شدند: خانه‌ای که مادر و مادر بزرگش را از خود رانده بود، با آن تلخی و اندوه بی‌پایان، اکنون آغوش باز کرده برای پذیرفتن شاهان دختر دردانه و نوه ماهگل. اندوه نبودن مادر بی‌انتها بود و درمانی نداشت. اشک‌ها فقط غم سرریز شده بودند...

سینما به روایت شخصی

بقیه از صفحه اول

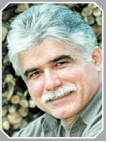
متن گفتار هاورنیشن‌هایی که توسط خود فیلمساز در مقام‌راوی در لابه‌لای فیلم می‌بینیم، شرح این ناکامی‌هاست که بعضاً به واگویی‌های فلسفی نیز پهلوی می‌زند. واگویی‌های از جنس ملال و یأس فلسفی که بر ساخته تلخکامی‌های یک عشق ناتمام است.

قبیله من البته واجد سویه تاریخی نیز بوده و در واقع ۵۰ سال از زندگی یک فیلمساز در مقطع سالهای ۱۳۳۵، ۱۳۵۰ تا زمان معاصر در اصفهان اتفاق می‌افتد. تصاویری که از اصفهان می‌بینیم و قاب‌بندی‌هایی بصری فیلم، فارغ از نسبتش با مضمون اثر، واجد زیبایی‌شناسی خوبی است و از رنگ آمیزی و گرمایی خوبی برخوردار است که شاید نوعی ادای دین به خود تصویر به عنوان ذات سینما به عنوان سوره اصلی فیلم است.

به نظر می‌رسد که فیلمساز، تحت تأثیر فیلم سینما پارادیزو هم بوده و حتی برخی تصاویر از کودکی رضا در آپارت سینما و نگاه او به نور فیلم‌ها، نوعی شبیه‌سازی به برخی از سکانس‌های مهم این فیلم باشد. ضمن اینکه

ادای دین به برخی از فیلم‌های مهم تاریخ سینما مثل کازابلانکا یا سفر به ماه را هم در سکانس‌های مربوط به داخل سینما شاهد هستیم که در مجموع همه این عناصر و مولفه‌ها بازگوکننده عشق فیلمساز به سینما و فیلم‌های مورد علاقه خود است. قبیله من نوعی رنجنامه فردی از عشق به سینما و غربتی است که در بی‌رحمی سینما برای عاشقانش رقم می‌زند.

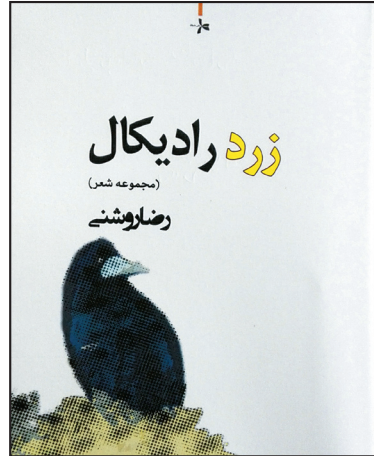




اکبر کاسبی

معرفی مجموعه شعر «زرد رادیکال»/ رضاروشنی / انتشارات نشر داستان/ ۱۳۵۹

لعنت به شعر که شاعر م کرد!



تلطیف نقدینه‌ها شدو من سعی کردم حتی الامکان به نقاط مثبت اشاره کنم و منبعدهرگز گول دوستان نقد خواه کم ظرفیت را نخورم!

فعلاً کتاب را که می‌خوانم، شعری برای اشاره انتخاب می‌کنم و بسا رندی تمام اگر حرفی برای گفتن داشتم یا به طنز و شوخی در لابلای حرفهای جدی می‌آورم یا آنقدر مسئله را می‌پیچانم و به نعل و به میخ می‌زنم که خودم هم نمی‌دانم چه نوشته‌ام!

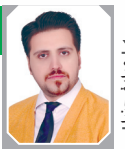
این هفته همین مقدار کافی است. برویم سراغ شعرهای «رضا روشنی» در مجموعه زرد رادیکال از انتشارات نشر داستان که چاپ اول آن در ۱۳۹۵ به شمارگان ۵۰۰ جلد منتشر شده است. روشنی با دوستان جنوبی خود گاهنامه ادبی «پاد» را منتشر

تا این شماره از «نقدینه» حدود سیصد و سی و چند نفر از شاعران کوچک و بزرگ از چهارگوشه ایران بزرگ برای معرفی کتابهایشان با من در ارتباط بوده‌اند. کتابهایشان را در اسرع وقت، اداره پست استارا توسط آقای همدی، پستیچی مؤدب و وظیفه‌شناس، در برف و باران و آفتاب و شرعی به دستم رسانده است و من به ترتیب دریافت کتابها به نوبت به سراغ آنها رفته‌ام و برای هر یک متنی در خور نوشته‌ام تا نقاط قوت مجموعه را به خوانندگان عزیز این ستون شناسانم.

دوستان زیادی در تعارفات معمول اغلب تلفنی، تشکر می‌نمایند و از بابت معرفی کتابشان احساس رضایت می‌کنند. در بین این عزیزان هم هستند البته شاعران جوانی که با خواندن نقدینه، کمی تا قسمتی ابری می‌شوند. تلخ و تند پیامک می‌کوبند که این معرفی نبود، تخریب بود!

تداوم نقدینه در ادب و هنر روزنامه اطلاعات خاطرات فراوانی به همراه دارد. اغلب شاعرانی که از من نقد جدی مجموعه شعرشان را خواستارند و اصرار دارند که هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو! با دیدن کوچکترین اشاره به ضعف کارها - آن هم تازه به طنز - بر می‌آشوبند و طاقت دوری از تعریف و توصیف را ندارند.

یکی می‌گوید من پدر بزرگم نوشته است مرا پیش نوه‌هایم شرم‌منده کرد. یکی می‌گوید کنایه ظرفیت تو در مورد شعر و شاعری من، بقال سرکویه را علیه من شوراند، به طوری که جنس نسیه به من نمی‌دهد! و خلاصه گلایه‌های ریز و درشت امثال این عزیزان که بالاخره باعث تعدیل و



احسان غسانی

بررسی مکاتب موسیقی کلاسیک دنیا - ۸۸

موسیقی و تأثیرات متقابل جغرافیا



ویمار و سپس کاپل مایستر در کلیسا(که به شکلی خاص کلیسایی شخصی و غالباً محل تلذذ موسیقی دوک بود)، دو قابلیت بزرگ در باخ متجلی می‌شود. نوازندگی و بعضاً ساخت قطعات برای ارگ که غالباً در فرم، فوگ و توکاتا هستند که دو بستر معمول برای آثار غنی و بداهه نوازی ارگ اند و نیز به موازات آن نوعی اجبار برای ساخت آثار آوازی که جزو وظایف باخ (در مقام کاپل مایستر دربار) درآمد و محصول آن کانتات ها و آثار مناسبی بسیار ارزشمندی است که غالباً در هر ماه یک اثر ساخته

ساز ارگ و تأثیر شگرف آن از سنن موسیقی و بر آن، به شکل خاصی ویژه و ممتاز است. اولاً به دلیل اینکه طی دورانی طولانی، فیزیک اصوات و جنس صدای خاص به تنایب در حال تأثیرپذیری و تکامل بود تا قابلیت ها، امکانات و نوع خاصی از صدا و اکتاوها را بتوان از آن به دست آورد تا وافی به مقصود باشد.

ثانیاً حاصل دانش تکنیکی و ساخت آلات موسیقی در پهنه ای وسیع بود. به همین دلیل است که سازهای کلید دار قدمتی به مراتب کمتر از سازهای بادی و یا کوبه ای و زهی دارند. چرا که محصول دانش و تکامل و روشهای آزمون و تجربه طولانی بوده اند.

ساز ارگ یک تفاوت ملموس نیز از عصر باروک تاکنون داشته و دارد، و آن اینکه ارگ سازی نیز هست برای آنچه بداهه نوازی نامیده می‌شود. البته نه کاملاً مانند آنچه در موسیقی ایران و یا هند وجود دارد و نه توسط هر نوازنده ای. ارگ در سستی که باخ در آن در رشد می‌یافت و تکامل، نقطه درخشان تجسم قابلیت های نوازندگان درخشان است.

بازی دقیق و پرسرعت با پدال ها و حرکت چیره دستانه نوازنده بر روی کلیدها، نیاز به آگاهی و دانش دقیق از اصول موسیقی و ظرائف موسیقی آیینی - مذهبی داشت که در جغرافیای شمال اروپا و به ویژه در سرزمین آلمانی ها اوج گرفت که این امر نیز دلائلی دارد که فعلاً آن را به وقتی دیگر وامی گذاریم.

از همین دوران، یعنی دهه سوم عمر باخ است که در مقام نوازنده ارگ در

می‌کنند که در حد خود ارجمند و گرانقدر است. شماره جدید پاد، ویژه‌نامه دوست همیشه شاعر جناب هرمز علی‌پور است که بسیار پربار و خواندنی بود دست مرزاد.

«زرد رادیکال» مجموعه شعر و زبانه رضا روشنی است که به فارسی و انگلیسی منتشر شده است.

رضا در شعر و قصه و پژوهش‌های ادبی فعالیت دارد و در برنامه آتی او رمان، فولکلور، نقد ادبی دیده می‌شود. شعر او طنز خاصی دارد که آدم را زمین‌گیر می‌کند. طنزی که رفته رفته رخ می‌نماید و مزه شعرها را چندبرابر می‌کند.

شب که نگاه می‌کنم/ یاد عمه‌ام ستاره می‌افتم/ که این همه سال آسمان را ایستاده بود/ و پایین نمی‌افتاد.

اسم خواهرم مریم بود/ اسم همسایه‌ام لاله/ اسم کوچه‌ام لادن/ تقدیر، همه گلهای جهان را به من داده بود/ نمی‌دانستم.

من شاعرم/ دهانم بوی شعر می‌دهد/ بوی اولین زایمان/ بوی اولین چاه نفت/ بوی اولین شکست/ من شاعرم شاعر/ گمشده انسان و خدایان.

روایت شعر در این مجموعه، روایت صمیمی شاعر است با همان لحن روزانه رضاروشنی که احترام به مخاطب را خوب درک می‌کند:

من رضاروشنی هستم/ باشناسنامه‌ای ایلی/ زبانی لکی/ و نگاهی فارسی/ باید می‌آدم‌ت می‌فهمیدم/ چقدر کوچکم/ و جهان چقدر تاریک/ باید می‌آدم‌ت/ تاسرمای جهان در من جمع می‌شد/ تا حیرت تمامی شاعران/ لعنت به شعر که شاعرم کرد!

در محضر مشفق

برویز بیگی حبیب آبادی

بخش هفتاد و هشتم



این را هم یادآوری کنم که از دیرباز، سالی یکی دو مرتبه به این شهر ادب‌پرور به دیدار شاعران آن خطه، داور همدانی، مهدی دیجوریان (دیجور) و جمعی دیگر به اتفاق مهرداد اوستا و رنجی تهرانی می‌رفتم. به هر حال، پس از دو روز که مهمان یاور همدانی بودیم و دید و بازدیدی از دوستان داشتیم، آماده بازگشت به تهران شدیم. وقت بازگشت، بنا به اعتقادات مذهبی خود، دعایی خواندم و نام خداوند را با جمله «بسم‌الله الرحمن الرحیم» بر زبان آوردم.

مرحوم محمد شهریار (مهر) که از میان دوستان، گرایشی به مرام کمونیستی داشت و در جلسات متعدد بسا او به بحث و مجادله می‌پرداختیم، باخنده گفت: «مشفق جان! چرا نمی‌خواهی دست از این خرافات برداری؟ امروز در دنیایی زندگی می‌کنیم که این حرف‌ها خریداری ندارد.» و من برای آرامش در راه سکوت کردم. موقع حرکت، دوستان همدانی به ما گفتند که جاده همدان به قزوین بسته و سراسر جاده انباشته از سنگ و آسفالت‌کنده، شده است. بهتر است از راه ساوه بروید؛ ولی دکتر سادات ناصری با اصرار فراوان گفت: «من در قزوین کاری ضروری دارم، اشکالی ندارد، با احتیاط می‌رویم.»

من به ناچار قبول کردم. وقتی به قسمت کنده‌کاری راه رسیدیم تازه متوجه شدیم که حتی کامیون‌های مجهز نیز نمی‌توانند در این جاده رفت و آمد کنند و اگر کامیونی را در راه می‌دیدیم، آن کامیون باکندنی در حرکت بود. یکی دو بار خواستیم راهی را که آمده بودیم برگردیم که باز دکتر سادات ناصری اصرار به ادامه همان راه کرد. سرعت ما از ۱۵ الی ۲۰ کیلومتر بیشتر نبود. در این گپ و دار بودیم که دیدم کامیونی از روبه رو، بسا کندی به طرف ما می‌آید. وقتی به نزدیک ما رسید، با توجه به اینکه جاده باریک بود و نمی‌توانست از کنار ما رد شود و من هم روبه روی او حرکت می‌کردم، خواستم ترمز کنم ولی ترمز کارساز نبود فولکس، شاخ به شاخ با کامیون، از جلو به زیر سپر سنگین کامیون رفت.

در این وقت، همان عزیز ما شهریار با ترس و لـرز گفت: «یا حضرت عباس!... راننده کامیون با زحمت پیاده شد و یکی یکی دوستان را از فولکس بیرون کشید و به لطف خدا کمترین خراش و آسیبی به ما وارد نشده بود ولی جلوی فولکس به کلی آسیب دیده بود. کمی بر اعصابم مسلط شدم و به محمد شهریار گفتم: «رفیق! صبح موقع حرکت، منکر خدا بودی، حالا چطور شد که موقع تصادف یاد حضرت عباس افتادی.»

سرس را پایین انداخت و چیزی نگفت. از مصیبتی که برای انتقال فولکس تا قزوین متحمل شدیم، چیزی نمی‌گویم و همان وقت که از حادثه جان سالم به در بردیم یاد این بیت افتادم که می‌گوید:

گرنه دار من آن است که من می‌دانم
شیشه را دریغل سنگ نگه می‌دارد

حالا هم فرصت دیدار با شاعران همدان برایتان فراهم می‌شود؟

بله ؛ در مقاطع مختلف، قبل و بعد از انقلاب تا این اواخر برای اجرای برنامه سخنرانی و شعر خوانی به همدان سفر کرده‌ام و همواره مورد محبت و عنایت شاعران فرهیخته آن سامان از جمله جواد محقق، سیواش دیهیمی، هاشم میری، خوانساری و عده‌ای دیگر قرار گرفته ام و باید اضافه کنم که با این عزیزان، اخوانیهایی مبادله کرده‌ام که اگر فرصتی در این روزهای پایانی عمر دست دهد، آنها را در جلد دوم «خلوت انس» چاپ خواهم کرد.

سخن از مرحوم دکتر سادات ناصری به میان آمد و تلاش‌هایی که جناب عباس کی‌مش در تکمیل کارهای او انجام داد. آیا جناب عالی هم با زنده یاد سادات ناصری مراده‌ای داشتید؟

خاطره‌ای از مرحوم دکتر سادات ناصری دارم که برایتان تعریف می‌کنم؛ یعنی در این خاطره او هم سهیم است.

منزل سابق دکتر سادات ناصری در محله پاچنار بود که روزهای جمعه را اختصاص به دید و بازدید دوستان شاعر داده بود.

در این جلسات، دکتر حمیدی شیرازی، جواد آذر، مصطفی مزده، کریم کسروی، نیاز کرمانی، مهرداد اوستا، رنجی تهرانی، گلشن کردستانی و چند تن دیگر شرکت می‌کردند.

ادامه دارد

گذری بر نقاشی های مدرن دونسل

بقیه از صفحه اول

* لطفا درباره نمایشگاه «میان دو روز» توضیح دهید؟

– در این نمایشگاه، آثار هنرمندانی از دهه ۴۰ تا الان به نمایش درآمده است. هنرمندانی که بر هنرهای تجسمی معاصر ایران تأثیر گذار بوده‌اند. آثار این نمایشگاه متنوع است و تکنیک‌های منحصر به فردی در آثار به نمایش درآمده، به کار رفته است. ما در این نمایشگاه سعی کرده ایم در کنار آثار هنرمندان بنام که امضایشان برند شده است و همه آنها را می‌شناسند؛ آثار هنرمندان جوان را هم قرار دهیم. البته شاید خیلی از نمایشگاه‌های دیگر هم همین روش را در نمایش آثار در پیش گرفته باشند، اما رویکرد ما این تفاوت را دارد که آثار این دو نسل از هنرمندان، جدا از یکدیگر به نمایش در نیامده است. در حالی که در دیگر نمایشگاه‌های از این دست، آثار استادان نقاشی در یک بخش و آثار هنرمندان جوانتر در بخش جداگانه به نمایش در می‌آید. ما در این نمایشگاه، آثار هنرمندان را نه براساس سابقه و قدمت کار آنها و مطرح بودنشان که براساس رنگ، اندازه و تکنیک آثار به صورت ترکیبی چیدمان کرده ایم.



* چرا عنوان نمایشگاه را «میان دو روز» گذاشته‌اید؟

– عنوان نمایشگاه اشاره به دو نسل از هنرمندان مدرنیسم ایران دارد، هنر مدرنی که از دهه ۴۰ در ایران شکل گرفته و تا به امروز ادامه دارد. جا دارد اشاره کنم، امروزه جوانان هنرمندی داریم که از نظر به کارگیری تکنیک و سبک در آثار مدرن خود در حد عالی هستند ولی متأسفانه به خاطر جریانی که طی چند سال اخیر در مسیر خرید آثار هنرهای تجسمی شکل گرفته، خیلی از خریداران بی‌توجه به علائق شخصی خود هنگام خرید فقط به معروفیت امضای پای آثار توجه می‌کنند و از آثار جوانان هنرمند غافل مانده‌اند و علاقه‌مندان و خریداران بدون در نظر گرفتن تکنیک، شیوه و حتی علائق و ذوق شخصی خودشان صرفاً به معروفیت امضای هنرمند بهاء می‌دهند.

* چه شد که اصلاً به فکر برگزاری چنین نمایشگاهی افتادید؟

– برگزاری این نمایشگاه، بیشتر به خاطر حمایت از جوانان هنرمندی بود که خوب کار می‌کنند و اینکه شاید نصب کار آنها در کنار کار پیشکوتان مدرنیسم باعث بیشتر دیده شدن کار آنها بشود. در این نمایشگاه سعی کرده ایم آثار را از یکدیگر جدا نکنیم و جدا نکنیم و حتی قصد نداشتیم این تصور به ذهن بینندگان این آثار خطور کند که نسل جدید هنرمندان مدرن از هنرمندان پیشکوت مدرنیست تأثیر گرفته‌اند.

در این زمینه شاید بهتر است کلمه «الهام» را به کار ببریم و از یاد نبریم که اثر هر هنرمندی در نهایت از فیلتر شخصی همان هنرمند گذر می‌کند. جوانان هنرمند امروز مسیر ویژه خود را طی می‌کنند و شاید فقط مکمل مسیری هستند که پیشکوتان هنر مدرن ایران طی کرده‌اند. ما در پی این هستیم که مخاطب و خریدار متوجه سیر صعودی قیمت آثار جوانان هنرمند هم بشود. متوجه این که می‌توان روی آثار جوانان هم سرمایه‌گذاری کرد؛ چون در آینده جایگاه بسیاری از این جوانان، بالاتر از این خواهد بود که اکنون هستند.

* چه تعداد آثار در این نمایشگاه به نمایش درآمده است؟

– در حال حاضر ۴۰ کار را در نمایشگاه به نمایش و فروش گذاشته‌ایم و از هفته دوم، به جای کارهایی که به فروش رفته است، آثار جدیدتر به نمایش در می‌آید. اما کل آثاری که در این نمایشگاه به نمایش در می‌آید ۶۵ اثر است که ما آنها را از میان آثار مجموعه‌داران برای این نمایشگاه انتخاب کرده‌ایم.

* قاعدتاً آثار هنرمندان پیشکوت را از مجموعه‌داران به امانت گرفته‌اید، اما

آثار هنرمندان جوان را چگونه گردآوری کرده‌اید؟

– آثار جوانان را از خود آنها گرفته‌ایم. این جوانان، هنرمندان پیشرویی هستند که در شش هفت سال اخیر به واسطه آثارشان اسم و رسمی برای خود دست و پا کرده‌اند. مثلاً کسی مانند داریوش قره‌زاد، هنرمندی است که ۱۲ سال پیاپی آثارش به حراجی کریستیز راه یافته و در حراج‌های ساتبیز و بونامس هم آثارش شرکت داشته است. هنرمندان جوان دیگری چون علی ملک، حسین چراغچی، علیرضا آستانه و سحر صالحی هم به همین ترتیب هستند و آنها خود مسیر تکامل را پیدا کرده و شناخته شده‌اند.

* قیمت آثار چگونه تعیین شده است؟ آیا در این زمینه کارشناسی

داشته‌اید؟

– قیمت آثار اساتید را یک درجه پایین‌تر از قیمت‌های معمولاً ثابتی که آثارشان دارند، تعیین کرده‌ایم. البته بعضی از هنرمندان که به عنوان کارشناس در این بخش ما را همراهی می‌کردند، معتقد بودند که قیمت آثار پیشکوتان باید بالاتر باشد؛ ولی ما سعی کردیم قیمت‌ها متعادل باشد. آثار هنرمندان جوان هم طبق آخرین فروشی که داشتند، قیمت‌گذاری شده است. در چند سال اخیر با برگزاری حراج تهران و حضور آثار ایرانی در حراج‌های کریستیز و ساتبیز، تلاش‌هایی از سوی آقای سمیع‌آذر برای

نقد آثار منظوم و منثور

عباس یمینی شریف

یار مهربان



هومن ظریف

نقد اهمیت حضور هنر تصویرگری برای کتاب‌های ویژه کودک، چنان است که بسیاری آن را یک اصل می‌دانند و درباره چگونگی کاربرد آن کتاب‌های رده سنی خردسال معتقد هستند که «تصاویر کتاب [خردسالان] باید چنان هماهنگ و یکدست باشند که طفل بتواند مطلب اصلی را بدون رجوع به متن تنها از مشاهده آنها دریابد.» به هر حال، «نهضت در ایران در امتداد ده سال از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ آنچنان پر و بالی می‌گشاید و اوجی می‌گیرد که کتاب کودکان را، در بخش‌هایی از جامعه، به یک مساله کم و بیش اساسی و کاملاً جدی اجتماعی، فرهنگی، تربیتی و خانوادگی تبدیل می‌کند.»

۸،۱ ادبیات کودک و ادبیات عامیانه

برخی همانند مصطفی کرمارودی بر این نظر هستند که اغلب ترانه‌هایی که خاستگاه ادبیات کودک هستند – همانند لالایی‌ها – بی‌معنی و مهمل بوده‌اند. شوربختانه در ادعای او، نه تنها محتوا بلکه وزن ترانه‌های عامیانه نیز مهمل دانسته شده است و پژوهشگر، معلوم نکرده است که ترانه‌هایی که به زعم او «مهمل» در معنا و «بی‌وزن» در قالب است، چگونه شایستگی انتقال سینه به سینه پیدا کرده‌اند. از سوی دیگر، کژتابی غیر منطقی در استدلال اوست که «کودکان» را سراینده این «مزمه‌ها» اطلاق کرده است که صحیح به نظر نمی‌رسد. اما اگر با دید جامعه‌شناسانه و مردم‌شناسانه به گنجینه ترانه‌هایی که به ما رسیده است بنگریم، خواهیم دید که در پس پرده مهمل گونه ترانه‌های قدیم، چه مضملی از حریر معنا تحریر شده است. کما این که باستانی پاریزی درباره تاریخچه مستتر در ترانه‌های عامیانه مدعی است: «هیچ ترانه‌ای بهتر از لالایی‌ها حاکی از بطون تصورات و حالات درونی زنان محروم این روزگار نیست، بینید چگونه زن، باطن خود را از ظلمی که شوهرش با «تجدید فراش» انسبست به او کرده، نشان می‌دهد. درحالی که با فرزند سخن می‌گوید و در عین حال دلخوشی هم دارد که:

الا لا لا کل زیره

بابات رفته زنی گیره

بابات رفته زنی گیره

کنیزی ور، سرم گیره و کدام تاریخ می‌تواند آشننگی‌های روزگار و بیچارگی مردم و ظلمی را که به آنها می‌رفته است و اسارت و بدبختی آنها را، چون این دوبیتی مزمه کند:

الا لا لا گل زیره

که ممدخان به زنجیره

ازین زنجیر نمی‌میره

که تا دنیا قرار گیره

یمینی شریف در باره اهمیت لالایی‌ها (۱۳۶۶: ۱۲ و ۱۳) زمینه‌ها و شرایط ایجاد میل به گفتن شعر را به خوانش لالایی‌ها و مثل‌ها و قصه‌های روزگار خردسالی خود، مرتبط می‌داند و می‌گوید: «در خانواده‌ها، مانند بسیاری از خانواده‌ها عادت بر این بود که کودکان را با لالایی می‌خواباندند و کار خواباندن بچه به هر کس محول می‌شد، چه مادر، چه مادر بزرگ، چه دیگران، هیچ تغییری در این برنامه حاصل نمی‌شد. گویی کسی باور نداشت که بچه بی‌لالایی، خوش بخوابد. مادر علاوه بر لالایی اشعار زیبایی دیگر را نیز با آهنگی سوزناک می‌خواند. گاه‌سواره می‌جنبید و صدای مادر با جنبش‌های آن هماهنگی می‌کرد. (یادآوری این نکته مهم است که مادر یمینی شریف، تارمی نواخت.)

لالای لای لای گل فندق

بابات رفته سر صندوق

لالای لای لای گل پونه

بابات میاد حالا خونه

(که چه بسا نشانگر تنهایی مادر نیز بوده است) اجرای این برنامه را درباره برادران و خواهران خود دیده بودم و می‌گفتم که درباره من که اولین فرزند بودم، به مدت طولانی ترو با شوق و شور بیشتر اجرا می‌شده است. (۱۳۶۶: ۲۳)

ادامه دارد



مریم نظری |

شناساندن و معرفی هنر ایران در جهان و تعیین قیمت برای آثار ایرانی در حراج‌های جهانی شده است که با تعیین این قیمت‌ها کار ما در این زمینه راحت‌تر شده است.

* با توجه به این که تا الان چند اثر از آثار اساتید هنرمند و همینطور هنرمندان جوان در این نمایشگاه به فروش رفته است، کمی هم درباره خریداران بفرمائید. – ما در طول این سال‌ها همیشه تعدادی را به عنوان خریداران سنتی که ثابت و مشخص هستند، داشته ایم اما در سال‌های اخیر استقبال جوانان را هم در گردآوری آثار هنری زیاد می‌بینیم که بسیار جای خوشحالی دارد. یک بخش از خریداران آثار نمایشگاه ما از طریق خبر

رسانی‌هایی که انجام گرفت، از برگزاری چنین نمایشگاهی آگاهی یافتند و بخش دیگری را هم خودمان دعوت کردیم؛ اما بیشترین آثار ما را کسانی خریدند که حدود سنی ۳۰ تا ۳۵ سال را داشتند. این روی آوری جوانان به مجموعه‌داری آثار هنری اتفاق فرخنده‌ای برای هنرهای تجسمی به شمار می‌آید؛ چون هنرهای تجسمی در مقایسه با هنرهایی مانند سینما و موسیقی که نیاز به فضا برای نمایش و اجرا دارند، کاملاً می‌توانند به بخش خصوصی مربوط شوند و کاملاً مستقل و متکی به خود به راهشان ادامه دهند و درآمدزایی خاص خود را هم داشته باشند.

* شما چگونه مجموعه‌دارانی که آثار مجموعه‌شان در این نمایشگاه به نمایش درآمده و جوانان هنرمندی که در این نمایشگاه اثر دارند را شناسایی کردید؟ – این یکی از رسوم گالری‌داری است که معمولاً از چند هنرمند با برگزاری نمایشگاه آثار و همینطور فروش آثارشان حمایت می‌شود. گالری «هنر امروز» هم از این گونه حمایت‌ها مستثنی نبوده و تعدادی از هنرمندان جوان به این صورت کارشان در این نمایشگاه است. طبیعی است که ما در طول مدت فعالیت خود جوانان هنرمند و آثارشان را بشناسیم و از آنها برای شرکت در این نمایشگاه دعوت کنیم. البته این دعوت برای همه هنرمندان جوانی که می‌شناختیم نبود و با توجه به سطح کارهایشان آنها را انتخاب کرده‌ایم.

* با این اوصاف، شما با برگزاری این نمایشگاه، در پی معرفی یک استعداد جدید در هنر معاصر نبوده‌اید!

– در این نمایشگاه چون آثار بسیاری از بزرگان هنر نقاشی مدرن ایران دیده می‌شود، در کنار آثار این بزرگان باید آثار جوانانی به نمایش در می‌آمد که در کار خود به درجه صاحب سبکی و ثبات در شیوه کار و تکنیک رسیده‌اند تا آثارشان هماهنگ و هموزن با آثار این بزرگان دیده شود و برای همین، ما کار جوانان هنرمندی را انتخاب کردیم که با ما کار کرده‌اند و در این مدت برای طیف وسیعی شناخته شده‌اند؛ اما در این میان فقط یک نفر است که کارش برای اولین بار در این نمایشگاه به نمایش گذاشته شده است. نام این هنرمند رضائوفی است، که تاکنون کارهایش به نمایش گذاشته نشده است و ما با توجه به قوت کارش، اثرش را در این



نمایشگاه شرکت داده ایم.

* شما به سبب سابقه زیاد آشنایی با هنرمندان جوان اشاره کردید، اما گالری «هنر امروز» تازه تأسیس است و قدمت کم این گالری با ادعایی که شما می‌کنید توفیر دارد.

– گالری ما سه سال است که کارش را شروع کرده، ولی با توجه به فعالیت چند ساله‌ای که من و شریکم (آزاده آقایی) حتی پیش از شرکتمان در گالری هنر امروز در زمینه هنرهای تجسمی و ارتباط با هنرمندان داشته ایم، قطعاً به شناخت کافی و قابل قبولی در مورد هنرمندان پیشکوت و جوان و آثارشان رسیده ایم.

* نمایشگاه «میان دو روز» تا ۵ آذر در گالری «هنر امروز» ادامه خواهد داشت و علاقه‌مندان می‌توانند از ساعت ۱۱ تا ۱۹ از آثار دو نسل از هنرمندان مدرنیست ایران دیدار داشته باشند. گالری «هنر امروز» به نشانی ابتدای پاسداران، ضلع جنوب شرقی پل ضرابخانه، سروستان دهم، شماره ۳۶ واقع است.



خاطرات اجتماعی استاد امین الله رشیدی
در عرصه آواز و موسیقی

یک عمر خاطره

۲۹

یا جایی در دیوان ارجمندش:
به جان زنده دلان سعدیا که ملک وجود
نیرزد آنکه وجودی ز خود بیازارد
و در جایی دیگر:
به مردی که ملک سراسر زمین
نیرزد که خونی چکد بر زمین

و این بیت:
گر به آزارِ دلی مملکت کون و مکان
بفروشد، خریدار نگرده درویش
و نیز با نقل گفته فردوسی در کتاب بوستان:
چنین گفت فردوسی پاکزاد
که رحمت بر آن تربت پاک باد
میاژ موری که دانه کش است

که جان دارد و جان شیرین خوش است
حتی برای دفاع از خویش که حدس می زند
احتمالاً ممکن است به علت فاش شدن رازش، به
خون او دست آید، مرتکب قتل نفس گردد؟!...
چنین چیزی حتی در تصور من هم نمی گنجد و
جایی ندارد... در باور شما خواننده فهیم و نکته دان
چطور؟...

یا للعجب، خواننده گرامی توجه فرمایید،
همین الان (اول آذرماه ۱۳۸۳) که این مطلب دارد
به پایان می رسد، مرا نکته ای به یاد آمده آن هم از
خود سعدی، آن بزرگ شاعر جهانگرد و جهان دیده.
و حاشا اگر بخوام جسارت کرده و از نوشته های
شیخ بزرگوار مدرکی علیه خود او فراهم آرم
و جنباشان را در مورد حکایت بتخانه سومات
هندوستان به دروغ پردازی متهم کنم. من عین
حکایتی را که خودشان در کتاب گلستان (باب اول
در سیرت پادشاهان) نوشته اند، در اینجا نقل می کنم
و مطلب را تمام.

شیداد!

شیدای گیسوان بر بافته بود که من علّویم (از
نسل علی) و با قافله حجاز به شهر در آمده که
از حج می آیم و قصیده ای پیش ملک برد که من
گفتم. نعمتش داد و اکرامش کرد تا یکی از ندما
ملک که در آن سال از سفر دریا آمده بود گفت:
من او را عید اضحی (عید قربان) در بصره دیدم،
حاجی چگونه باشد؟ و شعرش در دیوان انوری
یافتند. ملک فرمود تا بزندش و نفی کنند که چرا
چندین دروغ گفتی؟! شیداد گفت: ای خداوند روی
زمین، سخنی دیگر بگویم، اگر راست نباشد به
هر عقوبت که فرمائی سسزوارم. ملک گفت: آن
چیست؟ گفت:

غریبی گرت ماست پیش آورد
دوپیمانه آب است و یک چمچه دروغ
ز من گر دروغی شنیدی، مرنج،
جهان دیده بسیار گوید دروغ
ملک بخندید و گفت: از این راست تر سخن
در عمر خود نگفتی. بفرمود تا آنچه مأمول (آرزو
کرده شده) اوست، مهیا دارند تا به خوشدلی برود.
چنین به نظر می رسد که بعضی از مسائل و
مطالب جنبی و فردی و خارج از موضوع، دارند در
مقابل آینه زمان قد علم می کنند، مزاحم می شوند و
ما را از کار اصلی منحرف می کنند.

منظور اصلی ما مطرح شدن اوضاع و احوال
اجتماعی و شیوه زندگی ایرانیان در نیم قرن اول
این سده و موضوعاتی از قبیل بیوگرافی این بنده و
حوادث و اتفاقات، آزادی ها، مواد مخدر، بهداشت
و درمان و متفرعات دیگر بود که صحبت از سعدی
و جهانگردی و داستان پردازی های او پیش آمد و
ما را در پشت آینه زمان قرار داد.

با پوشش از خوانندگان، اصل مطلب را پی
می گیرم، اما اضافه می کنیم که ما به این زودی ها از
سعدی، آن انسان کامل و راهنمایی های حکیمانه
او دست بر نخوایم داشت و نام بلند، جهانگیر
و جاودان او زینت بخش اوراق آینده یادداشت ها
خواهد بود.

ادامه دارد



نیز از هیاهوی زندگی روزمره فرار کند. اما در
میان بره های بهمن گیر می کند.

اما «بهمن» می خواهد به ما بگوید که
زندگی روزمره همین است و بس. شما در مقام
ارزشگذاری نیستید و تنها می توانید به رهایی
فکر کنید. خودتان از زیر بار بهمن ملال فرار
کنید و زندگی اخلاقی خود را سامان دهید. انبوه
مردمی که در شهرها زندگی می کنند، فضای
کمی در اختیار دارند. در شهرها فضای افقی
معنا ندارد. مضاف بر این خانه ای دیگر وجود
ندارد. خانه ها مثل صندوق های روی هم انباشته
شده اند. بدون اینکه زمینی در اطرافشان باشد.
بدون اینکه سقفی داشته باشند.

در شهرها حتی زیر زمین ها هم برای
پارکینگ ماشین ها، مترو، فاضلاب کشی و ...
مورد استفاده قرار گرفته است.

صدای ناشی از ترافیک و ماشین همه جا را
پر کرده است. همه شهر مثل یک ماشین بزرگ
است. همه چیز ماشینی است و زندگی صمیمی
از همه جا رخت بر بسته است. بدترین کابوسی
که می توان دید این است، که شهرها هر روز
بزرگتر و بزرگتر می شوند. «بهمن» بر سر مردم
شهر می ریزد و آنها را گرفتار می کند.
نه می توانند فرار کنند و نه حتی می توانند
با آن مقابله کنند. گویا منتظر معجزه ای هستند.

اما زندگی مسیر خود را دارد و همه هم در
این مسیر قرار گرفته است. او از صدای پیانو،
بی خوابی، ملال و ترس فرار نمی کند اما اجازه
می دهد که میان خانه، شهر و بیمارستان مثلثی
از ابهام شکل گیرد که میان فضای "خودی" و
"دیگری" مرزی باقی نماند.

بر همین اساس «بهمن» کانونی است که
حوادث و رویدادهای معنی دار هستی روزمره
خود را در آنها تجربه می کنیم (همانند قطع
شدن علائم حیاتی در مانیتورینگ و خواب
بودن هم) و در عین حال نقطه عزیمتی
است که از طریق آن به جهت یابی در محیط
نایل می شویم (بیدار شدن هما وقتی که بیمار
فوت می کند) و در آن دخل و تصرف می کنیم
و یا آنها را به محک آزمون می سپاریم.

"بهمن" باد و عرصه در کشاکش است. یکی
عرصه درونی (هما)، که با عرصه بیرونی احاطه
کننده (شهر/زندگی روزمره) در تقابل است. این
واقعیت که مفهوم و شناخت «بهمن» به عرصه
داخلی و عرصه خارجی وابسته است، این نکته
را روشن می سازد که «بهمن» به مثابه فیلمی که
در یک زمینه وسیع تر قرار دارد و نمی توان آن
را در شرایط ایزوله فهمید.

نگاهی به فیلم «بهمن»

تکرار ملالت آور زندگی



اشاره: فیلم «بهمن» اثر مرتضی فرشباف و
با بازی فاطمه معتمد آریا و احمد حامد دارای
مضمونی اخلاقی و روان شناختی است.
«بهمن» روایت چند روز سرد و برفی است که
بهمنی بر سر شهر ریخته و همه را دچار بحران کرده
و از سوی دیگر «بهمن» روایت زنی (هما/فاطمه
معتمد آریا) است که دچار یاس، تنهایی، دلسردی و ملال شده و تکرار
کسالت بار روزمره همچون بهمنی بر سرش فرود آمده و او را دچار التهاب
و بی خوابی کرده است. هما پرستاری است که باید بیماران را التیام بخشد
اما خود دچار بیماری شده و کسی نیست او را التیام دهد.
روایت «بهمن» روایت ساختار شکننده ای است که کنش و کنشگری های
بسیار عادی در آن رخ می دهد و حتی اهمیت هم پیدا می کنند. در
این جستار مختصر نگاهی به لایه های زبانی و مفهومی «بهمن» خواهیم
داشت که چگونه زندگی روزمره ما را دستخوش آسیب و بی معنایی
کرده است.

زندگی روزمره «هما» مملو از نشانه های
زبانی، مکانی و زمانی است. گاهی در زندگی مان
وقایع خارق العاده، شگفت انگیز و ویژه ای رخ
می دهند که این وقایع ممکن است عادی باشد.
اما برای کسانی که در زندگی هر روزه شان با
آنها روبرو نمی شوند، شگفت انگیز به حساب
می آیند. برای مثال عاشق شدن یا به دنیا آمدن
بچه ممکن است رویدادهایی کاملاً عادی به
نظر برسند، اما از آنجایی که این رویدادها فاقد
الگوی تکرار و یکنواختی هستند، شگفت انگیز
به حساب می آیند. اما باید توجه کنیم که زندگی
روزمره جایی است، که در آنجا ارتباطات انسانی
شکل می گیرد. جایی است که در آن زبان با
تمامی واژگان و آرایه هایش در سطحی نازل و
گاه بی دقت مورد استفاده قرار می گیرد.

همچنین می توان گفت که هیچ پروژه یا
تخیلی در زندگی روزمره کامل نیست. زندگی
روزمره همواره تمایل دارد به کلی تبدیل شود،
تا بر ما سلطه یابد.

اما همواره انسانها در مقابل آن مقاومت
می کنند، و موقتاً از طریق فعالیت هایی مثل
تعطیلات آخر هفته، مسافرت ها و ... از زیر
سلطه آن می گریزند تا در گرداب آن اسیر
نشوند. «هما» نیز اسیر همه این مسائل است. او
دچار آشفته گی در ارتباط انسانی شده، تخیل در
زندگی او بی معنی است. گاهی از همسرش
می خواهد که او را در نوشته هایش جای دهد
و گاهی نیز از اینکه همسرش به او بی توجه
است شکوه می کند. «هما» می خواهد بر
مصائب زندگی روزمره کنار بیاید و حتی تسلط
یابد اما مقاومت او بی فایده است و او را
چنان در هم می شکند که دچار بی خوابی
می شود.

از سوی دیگر، فضای سرد و یخ زده «بهمن»
به ما یاد آور می شود که ما در جهانی چند پاره
زندگی می کنیم. فرزندی در آن سوی مرزها،
بیماری که در بیمارستان به شکلی اختصاصی
درمان می شود، همسری که سر در گریبان
نوشته هایش دارد، همسایه ای که پیانو می نوازد
و صدایش هما را آشفته کرده است. جهان چند
پاره «هما» به واسطه الگوهای رو به افزایش
تحرك اجتماعی و تاثیر آنها بر مفاهیم فضا و
مکان، شدت هر چه بیشتری پیدا می کند.

فضاهای زندگی روزمره که پیش از این به
واسطه وجود اجتماعات قومی متجانس و تقریباً
ایستا به وضوح مرزبندی می شدند، اکنون بسیار
کثرت گرایانه و پرمنازعه شده اند و از طریق
فرایندهای جابه جایی و آمیختگی فرهنگی





نعمه طلوعی

نگاهی به مجموعه شعر «آدم از کدام فصل به زمین افتاد»، سرودهٔ فرناز جعفرزادگان

روی آوردن به دردهای انسانی و اجتماعی

مجموعه شعر «آدم از کدام فصل به زمین افتاد»، دومین اثر فرناز جعفرزادگان است که در بهار سال ۱۳۹۵ از سوی نشر شانی به بازار عرضه شده است. این مجموعه شامل ۵۱ قطعه شعر کوتاه است. هرچند که شعر کوتاه، طیف گسترده‌ای را دربر می‌گیرد و تاکنون تعریف روشنی برای آن ارائه نشده است. استاد جلال الدین همایی در تعریف رباعی نوشته اند: "بحر را در کوزه جای دادن". در شعر کوتاه، بحر در کوزه‌های مدرن جای داده می‌شود. کوزه‌هایی که شکل مشخصی هم ندارند. شاید یکی از مهمترین ویژگی‌های شعر کوتاه، رعایت ایجاز و کامل شدن مفهوم و ارائه تصویر باشد. در شعرهای این مجموعه با تجربه‌های موفقی که دارای ویژگی‌های فوق باشد، روبه‌رو هستیم. شعر ۷: ما امضاییم / خط می‌خوریم در خود / گاهی امضا / طناب داری می‌شود / که سرنوشت را / در خود خفه می‌کند.

شعر ۸: درختان در طرف اتوبان / به کوتاهی راه / می‌اندیشند / اما / راهها همچنان در آغوش هم / دراز کشیده‌اند.

در شعر ۱۰ شاعر خلاف آمد روش معمول خود، از به کارگیری گسترده افعال صرف نظر کرده و با استفاده مناسب از استعاره، تجربه موفقی را عرضه می‌کند. خفاش‌های مدام / غارهای دور / پیچ

سنگریزه‌ها / سیاهس عبور
با این که رعایت ایجاز، یکی از شاخصه‌های شعر کوتاه است، فرناز جعفرزادگان بارها از شیوه تکرار به منظور تأکید در شعرهای خود بهره می‌گیرد. شعر: ابتدا / تنها / باید رفت / باید رفت / تا کمی ماندن رافهمید.
شعر ۲۱: با باور بادهای رفتیم / و تن‌ها / یک آواز سر دادیم / رهایی / رهایی / ره‌ایی
همچنین به موارد متعدد استفاده از جناس بر می‌خوریم که تلفیق آن با تکرار، موسیقی شعر را افزایش می‌دهد. این کارکرد در شعر ۴۱ حرکت رود را نیز به ذهن خواننده متبادر می‌کند: در امتدادی دور / با رود، رود / همصدا شد و / از رود باردار / تعبیر نام کدام رودی / که آب هم / به زلالی ات / ایمان می‌آورد.

جعفرزادگان در این مجموعه، از مرزهای خویش فراتر رفته و به دردهای انسانی و اجتماعی روی آورده است. این رویکرد هم در محتوی و هم کلمات به چشم می‌خورد و ضمیر اول شخص مفرد بسیار کمتر از ضمیر جمع و سوم شخص حضور دارد که نمونه‌های آن در شعرهای ۷ و ۲۱ ملاحظه می‌شود که قبلاً ارائه شده است.

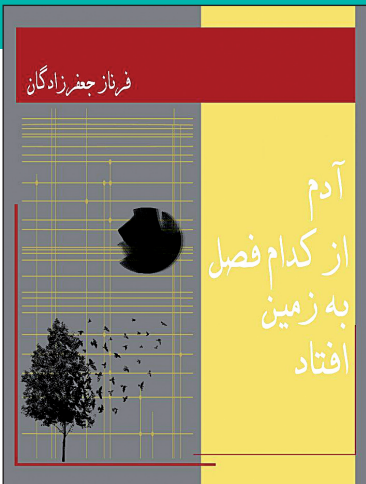
شعر فرناز جعفرزادگان حدیث انسان‌هاست و در آن از تظاهرات جنسیتی معمول در شعر، جز موارد

نادری، به چشم نمی‌خورد.
شعر ۱۸: زن / عبارتی سیاه پوش / تن / کلمه ای غائب / نمی‌روید کلمه ای / از دهان هویت / نام / در سوگ ننگ خود نشسته.
هرچند جعفرزادگان شاعری است که کمتر تحت تأثیر همصدایی ناشی از تهاجم گسترده فضاهای مجازی بر ادبیات قرار می‌گیرد، اما باز هم از آسیب‌های آن بی‌بهره نمانده است.
شعر ۳۳: گاهی / دلتنگی / قدم می‌زند / و با کلمه / از پلکان حرف / پایین / می‌آید / تا از لب‌های من / اعتراف بگیرد.

جان‌بخشی به صفاتی مثل تنهایی و دلتنگی، مضمونی است که بارها به کار گرفته شده و دیگر تازگی خاصی ندارد. در بخشی از شعر ۱۱ می‌خوانیم: در تنهایی من / تن‌ها / تنها حرف می‌زنند / راه می‌روند / و تن‌هایی را صدا می‌زنند.

استفاده از جناس تنها و تن‌ها نیز از مواردی است که به علت کثرت استفاده، کارکرد بدیع خود را ازدست داده است. پیشنهاد می‌شود در چاپ‌های بعدی این مجموعه به استفاده از علائم نقطه‌گذاری بیشتر توجه شود تا خوانش اشعار به درستی صورت بگیرد.

مثلاً در پایان شعر ۱ استفاده از علامت سؤال ضروری می‌نماید. همین‌طور فهرست شعرها نیز در



ابتدای کتاب آورده شود. مجموعه «آدم از کدام فصل به زمین افتاد» در مقایسه با مجموعه قبلی شاعر یعنی «ثانیه‌های گنج» که در سال ۹۲ عرضه شده بود، چه در صورت چه در محتوی، چند پله بالاتر قرار دارد و این نمایانگر آن است که فرناز جعفرزادگان به جای درج‌ازدن و ساده‌انگاری، مسیری درست را انتخاب کرده است. در پایان یکی از موفق‌ترین شعرهای این مجموعه را که امضای فردی شاعر را دارد می‌خوانیم:

شعر ۱۲: گوش‌ها / دو سؤال چسبیده به صورت فکر / که از علامت‌ها فراری‌اند / این همه سؤال / از کدام انگشت اشاره ریخت / که هیچ صدایی / از خدایان برنخواست.



ماهان سیارمفشار

در این شعر می‌بینیم که منجی با هیأتی کاملاً انسانی بیان شده است. به نوعی آن شیفتگی بی‌که از جهالت سرچشمه می‌گیرد، جای خود را به نخواستاری انسانی شکست‌خورده داده است. انسانی که حتی سرانگشتانش، درد را با ابهت انکارناپذیرش چشیده‌اند. این انسان، سیطره درد را چنان فراگیر می‌داند که برای متوقف کردنش، جزئی‌ترین چیزها را از نو بنا می‌کند. گویی که راوی داشته‌هایش را در آینده می‌جوید. بی‌گمان این آینده از هر چیزی، بهره‌ای با خود دارد. این انسان است که باید در موعد مقرر قسمتش را طلب کند. شعر دیگری که از این زاویه، از نظر نگارنده جالب توجه است، شعر ظهور منوچهر آتشی است. در این شعر، راوی از عشق و نفرت سخن می‌گوید. از آدمی که با سینه ستبرش ما را به یاد رستم می‌اندازد. شاعر از همان ابتدا ما را با فناپذیری عبدوی جط حیرت‌زده می‌کند. او که در قالب اسطوره‌ای شکست‌ناپذیر به تصویر کشیده می‌شود، ده تیر او را از پا درمی‌آورد. تصویری که راوی از این شتربان بی‌باک ارائه می‌دهد، تصویری نیست که ما از منجی داریم.

عبدوی «جط» دوباره می‌آید- با سینه‌اش هنوز مدار عقیق زخم / از تپه‌های آنسوی «گردان» خواهد آمد / از تپه‌های ماسه، که آنجا، ناگاه / «ده تیر» نارفتان گل کرد، و ده شقایق سرخ / بر سینه ستبر «عبدو» گل داد / بُت نگاه دیر باور عبدو، هنوز هم - در تپه‌های آنسوی گردان / احساس درد را به تاخیر می‌سپارد / خون را - هنوز عبدو - از تنگچین شمال / باور نمی‌کند: / پس، خواهرم ستاره چرا در رکابم عطسه نکرد؟ / آیا عقاب پیر خیانت / تازنده‌تر / از هوش تیز ابلق من بود / که پیش‌تر ز شیشه شکاک اسب / بر سینه تذرو دلم بنشست؟ / آیا شش‌بانه‌لی - / پسر - را هم / یاد ابرهای خیس پراکنده را / به آبیاری قشلاق «بوشکان» می‌رد / و ابر خیس / پیغام را سوی اطرافگاه: / امسال، ایل / بی‌وحشت معلق عبدو جط / آسوده‌دل، ز تنگه دیزاشکن / خواهد گذشت / دیگر پلنگ «برنو» عبدو / در «کچه» نیست منتظر قرچ‌های ایل / امسال / آسوده‌تر / از گردنه، سرازیر خواهید شد...

بی‌گمان، شعر فارسی جدا از تمامی تأثیراتی که از شعر غرب وام می‌گرفت، در جامعه‌ای فرصت نمو پیدا می‌کرد که حتی نقطه‌ای قابل اتکا برای شکل دادن افکارش در چهارچوبی خاص، یافت نمی‌شد. پس دور از ذهن نیست که شاعران در این زمانی که گویی همه چیز در نقطه‌ای ایستا متمرکز شده است، به دنبال انگیزه‌های هستند که آنها را از واقعیت روزمره زندگی جدا سازد.

نگاه آخر زمانی در شعر فارسی

که خواب نبودم دیده‌ام / کسی می‌آید / کسی می‌آید / کسی دیگر / کسی بهتر / کسی که مثل هیچکس نیست، مثل پدر نیست، مثل انسی / نیست، مثل یحیی نیست، مثل مادر نیست / و مثل آن کسیست که باید باشد / و قدش از درختهای خانه‌ی معمار هم بلندتر است / و صورتش / از صورت امام زمان هم روشنتر / و از برادر سیدجواد هم / که رفته است / و رخت پاسبانی پوشیده است نمی‌ترسد / و از



خود سیدجواد هم که تمام / اتاقهای منزل ما مال / اوست نمی‌ترسد / و اسمش آنچنانکه مادر / در اول نماز و در آخر نماز صدایش می‌کند / یا قاضی القضاات است / یا حاجت‌الحاجات است / و می‌تواند / تمام حرفهای سخت کتاب کلاس سوم را / با چشمهای بسته بخواند / و می‌تواند حتی هزار را / بی آنکه کم بیاورد از روی بیست میلیون بردارد / و می‌تواند از مغازه‌ی سیدجواد، هرچه که لازم دارد، جنس نسیم بگیرد / و می‌تواند کاری کند که لامپ «الله» که سبز بود: مثل صبح سحر سبز بود. / دوباره روی آسمان مسجد مفتاحیان / روشن شود...

اگر کارکرد ادبیات را، تنها نمایش دوره‌ای خاص از زندگی بدانیم و سعی کنیم آن را در بازه‌ای زمانی توضیح دهیم، ناگزیر کارکرد دیگر آن، که همانا فراروی از زمان است را نادیده انگاشته‌ایم. ادبیات در ساده‌ترین واقعیتش، ایجاد کننده موقعیتی شایسته است تا از طریق آن، از ظرف زمانی و مکانی اش جدا شود و مانند افقی تازه برآمده، تکه‌ای از واقعیت زمانه ما را که در فراموشی است، روشن سازد.

این کارکرد ادبیات، گاه در بیانی یکپارچه نمودار می‌شود و گاه در بیانی گسسته که از نظر نگارنده در این نوع، جنبه دیگری از واقعیت برای خواننده آشکار می‌شود. این بار گویی شاعر نوید نو شدن جهانی را به مخاطب می‌دهد. دلیل استفاده از «ی» نکره در جهانی، این است که آمال شاعر مطلقاً به این دنیایی که در آن زیست می‌کنیم، وابسته نیست. او دیگر توقعات خودش از این دنیا را نادیده انگاشته و حال در پی مدینه فاضله‌ای است که تنها و تنها فقط با گشایشی از سوی آدمی تشخیص یافته، علت کافی و وافی برای وجود یافتن پیدا می‌کند.

بگذارید جمله‌ای را که شروع کردم، واضح‌تر بیان کنم: شاعر ابداً به دنبال مدینه فاضله‌ای نیست؛ یعنی او اینجا را ملجأی برای زمان نابود شده خود تصور نمی‌کند. بلکه از نظر او این مدینه پیش از هر چیز، از دل خود این نامالایمات آشکار شده. این وجه تشخیص یافتگی منجی، بیشتر به آدمی متعین شباهت دارد تا ناجیانی که ما می‌شناسیم.

از نظر نگارنده، این منجی جام جهان‌نمایی است که تمامی خیر و شر عالم را درون خود گرد آورده. او گویی از نقش سنتی خود که رهاندگی انسان است، در گذشته و حال تنها به نو کردن جهانی منبعت از جهان پیش رو همت گماشته است. در اینجا است که می‌بینیم تمامی رهاندگان پیشین انسانی جلوه‌ای دیگرگونه می‌یابند. این ناجیان گویی وابستگی خود به دنیای ساخته خودشان را نادیده نمی‌انگارند. به نوعی مانند ما در آن می‌زینند و مانند ما در آن می‌میرند.

اما اگر بخواهیم آنها را با تمامی نمودهای خیره‌کننده‌شان بشناسیم، باید وادارشان کنیم به شکل ما تغییر یابند. این چیزی است که ادبیات یونانی در دوره‌ای خاص به آن پرداخته. بخشی از شعر کسی که مثل هیچکس نیست فروغ فرخزاد را می‌خوانیم و ادامه بحث را پیش می‌گیریم.

من خواب دیده‌ام که کسی می‌آید / من خواب یک ستاره‌ی قرمز دیدم / و پلک چشمم می‌پزد / و کفشهایم می‌جفت می‌شوند / و کور شوم / اگر دروغ / بگویم / من خواب آن ستاره‌ی قرمز را / وقتی

نگاهی به کتاب خاطرات یک مرد طنز خاورمیانه‌ای

من تروریست نیستم!

«مترجم: مرضیه زمانی»



پزشک و مهندس می شوند، پس بچه ما هم باید پزشک یا مهندس و یا اصلاً پزشکی با تحصیلات مهندسی و مدرک و کالت باشد! از طرف دیگر، همان طور که از عنوان کتاب برمی آید، نویسنده تلاش دارد تا چهره‌ای مناسب، نجیب و دوستانه از مردمان خاورمیانه و مسلمان‌هایی را به دنیا نشان بدهد که همواره با کج گویی‌ها و دروغ نمایی‌های رسانه‌های غربی تلاش بر سیاه نشان دادن آن‌ها شده است.

بارها پیش آمد که به هنگام خواندن متن و ترجمه آن با خودم گفتم: دمت گرم، گل گفتی. حرف دل‌مون رو زدی. مثلاً وقتی که درباره تبعیض نژاد علنی میان سفیدپوست‌ها و غیرسفیدپوست‌ها حرف می‌زند، با چاشنی طنز، آن را به گوش حاکمان و حتی مردمان عادی غربی می‌رساند که آن‌ها هم که شما فکر می‌کنید، سفیدپوست‌ها تافته جدابافته نیستند و دیگر وقت آن شده تا عینک تکبر را از چشم‌تان بردارید و حقیقت دنیا را ببینید. این که خاورمیانه‌ای‌ها مردمانی خون گرم، میهمان‌نواز، تحصیل کرده و آگاه هستند و نباید به دلیل رفتار نامناسب یک نفر که مثلاً عملیات تروریستی انجام می‌دهد، ملتی را زیر سؤال برد... چاپ اول این کتاب از سوی انتشارات «کتاب لوله پستی»، همین امسال (۱۳۹۵) روانه بازار نشر شده است. با قیمت ناقابل ۱۵ هزار

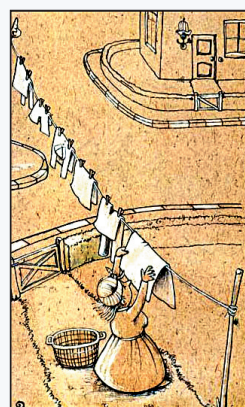


تومان خالص!

مقدمه خودمانی نویسنده

«ماز جبرانی»، کم‌دین، معروف خاورمیانه‌ای مقیم آمریکا، مقدمه صمیمانه‌ای بر کتاب خود نوشته است که بخشی از آن را می‌خوانیم: سلام به شما! ممنون که کتاب من رو انتخاب کردین. شاید این کتاب رو انتخاب کردین چون تصویر من رو از طریق یکی از برنامه‌های تلویزیونی تشخیص دادین و یا خودتون گفتین: این همون طرف نیست که توی برنامه‌های موفق‌تر (BETTEROFFTED) شوالیه‌های نیکبختی (KNIGHTS OF PROSPERITY) و زندگی روی یک تکه چوب (Life on a Stick) اجرا داشت؟ اصلاً اون برنامه‌ها چی شدن؟ وقتی که برنامه تلویزیونی باز یگرها لغو می‌شه، چی کار می‌کنن؟ «خب، این جور موقع‌ها ما کتاب می‌نویسیم. شاید هم این کتاب رو برای این انتخاب کردین، چون توی عنوانش نوشته شده «تروریست» یا خودتون فکر کردین: «از اون اولش می‌دونستم این یارو یه تروریسته! ولی همیشه یه جوی خودش رو توی اذهان عمومی جا انداخته بود که همه باور می‌کردن اون یه کم‌دین هستش. عجب مردک بدجنس مزخرفی! هر چند هیچ وقت هم اون قدرها با مزه نبود» یا شاید هم با من نسبتی دارین و فکر کردین: «این دیگه چیه! - ماز کتاب نوشته؟ بذار ببینم اسم من رو هم آورده؟! بهتره یک جلد بخرم و ببینم چطور یاس».

در هر حال، دلیل تون هر چی که بوده از تون ممنونم. من یه طنزپردازم، برای همین هم به نوشتن چند خطی جملات و حرف‌های بامزه در طول روز عادت دارم، ولی وقتی فهمیدم که باید ۲۰۰ صفحه بنویسم، رنگم پرید! برای همین هم سریع به یه راهی برای دور زدن این قضیه فکر کردم. مثلاً بیام هر خط رو با دو برابر فاصله بنویسم؟ یا مثلاً می‌تونم ۱۰۰ صفحه عکس‌های تزیینی بذارم؟ این کار برای پیش بردن کتاب عالی می‌شد...



نخستین و تفکر

علی هاشمی شهرکی



* متولد ۱۳۵۷ در آبادان

* دارای مدرک کارشناسی طراحی و کارشناسی ارشد تصویرسازی

* همکاری با نشریات مختلف به عنوان طراح، گرافیکست، اروتونیست

و مدیر هنری

* کسب جوایز متعدد از مسابقات داخلی و بین المللی



از قلمش ما

کتابخانه‌های بی کتابخوان!

اگر موافق باشید - البته اگر هم نباشید، فرقی نمی‌کند - برای شروع بحث علمی و آموزشی خود، به سبک آموزگاران و معلم‌های عزیز مدارس، یک حاضر غایبی داشته باشیم، ببینیم چی به چی هست و کی به کی نیست:

* کتابخانه شیک؟...

— حاضر

* صندلی نو کتابخوان؟

— حاضر

* میز جدید کتاب؟

— حاضر

* نسخه‌های خوش جلد

— حاضر

* کتاب؟

— حاضر

* آفتابه لگن هفت

— دست؟

— حاضر

.....

.....

* کتابخوان؟

— غایب!

ملاحظه فرمودید که با چه

لطافت و ظرافت و صرافت

خاص و بی سابقه‌ای، اوضاع و احوال کتابخانه‌های کشور را بررسی کردیم و به رخ ملت و دولت کشاندیم؟... حالا عزیزان مستقر در کتابخانه عمومی کشور، بنشینند گزارش طولانی و مفصل بدهند که: «ایها الناس!.. پنج‌ماه‌نخست امسال، در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، حکایت از این دارد که تعداد کتابخانه‌های عمومی، شمار اعضا، تعداد نسخه‌ها، تعداد کتابداران و تعداد صندلی‌ها رشد داشته، اما آن چیزی که اهمیت دارد، یعنی مراجعه به کتابخانه‌های عمومی، کاهش یافته است.»

— خسته نباشید!... (این را فهمیدیم کدام آدم عاقلی گفت، اما لحش یک جور ی بود که به گمانم طبیعی نبود. خوب شد که باز مسئولان فهمیدند؛ وگرنه خستگی به تنش‌مان می‌ماند!)

بسته پیشنهادی: در بحث کتاب و کتابخوانی، اگر وجود مبارک ما رهنمود ندهد، بفرمایید که چه کسی باید بدهد؟... فلذا بر ما واجب است که در این مورد خاص حتماً ورود کنیم؛ آنهم به شدت ورود کنیم و پیشنهادهای منطقی و منطقه‌ای خود را در راستای افزایش مراجعان به کتابخانه‌های عمومی کشور، برای عموم مطرح نماییم:

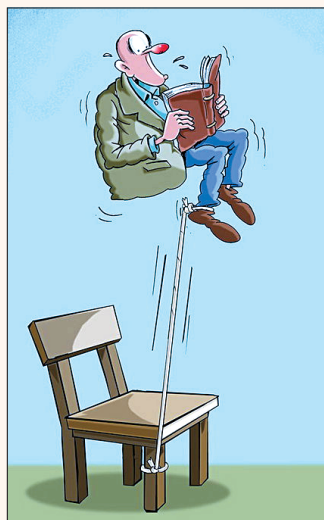
۱- نصب وایرلس: در هر کتابخانه‌ای سیستم وایفا و وایرلس نصب و راه اندازی شود؛ به گونه‌ای که به مراجعه‌کنندگان، احساس کمال انقطاع و اتصال به اینترنت و در نتیجه به برخی شبکه‌های اجتماعی و پاره‌ای نرم افزارهای کاذبی همچون وایبر و لاین و واتس‌آپ و اینستاگرام و اسکای و... امثال این قر و قمبیل‌ها بدهد.

۲- استقرار خودپرداز: داخل کتابخانه‌های عمومی، دستگاه‌های خودپرداز بانک مستقر شود که به محض واریز یارانه به حساب ملت، امکان دریافت آن را بدون خروج از محیط علمی و فرهنگی کتابخانه داشته باشند و لحظه‌های عاشقی را در آنجا مزه مزه یارانه‌قولی در اثنای وضو مضمضه کنند.

۳- تقدیم کلوچه و ساندیس: هستند کسانی که هم علاقه به کتابخانه دارند، هم کبابخانه!... برای این دسته از دوستان باید ایجاد انگیزه کرد. طوری که اگر گشنه‌شان شد، چیزی برای سد جوع داشته باشند که لااقل ته دلشان را بگیرد. عرضه و ارائه کلوچه و ساندیس به نظر ما بد نیست (ببخشید، بد نیست).

۴- نوشتن شعار: بر در و دیوار داخل و خارج کتابخانه‌های عمومی کشور، شعارهایی نوشته شود که فرهنگ ساز باشد و دعوت به کتابخوانی کند. شعارهایی از این قبیل مثلاً: «مراجعه شما به کتابخانه، نشانه شخصیت شما و هفت جد و آباد شما (بخشید: آباء شما) است»؛ «هم اکنون نیازمند یاری سبز شما هستیم»؛ «به امید روزی که هر ایرانی یک کتابخانه آکبند داشته باشد»؛ «طرح تعویض کتاب با قلیان و دیش»؛ «ورود شما را به کتابخانه گرمی می‌داریم؛ همراه با ماساژ»؛ «شهر ما کتابخانه‌ها»؛ «با خواندن یک کتاب، مشکل ازدواج و اشتغال و اسکان خود را حل کنید»؛ و..... حرفهای قشنگ دیگری از این دست!

۵- دختر ندادن: خانواده‌ها به پسرهای مجرد و داوطلب ازدواج که متأسفانه سابقه رفتن به کتابخانه - یا حداقل، رد شدن از در اصلی آن - را ندارند، خیلی شفاف و بی‌پرده و رک و راست، دختر ندهند. حتماً که نباید فقط به باشگاه پرورش اندام بروند. مردم، دخترشان را که از سر راه نیاورده‌اند. حداقل باید طرف، بداند که کتابخانه، سردرختی است یا پادرختی یا نه؟!...



امروز در تاریخ

فرار و بازگشت خسرو و پرویز

خسرو پرویز هنوز بر جای پدر ننشسته بود که وارث
دشواری های او و ضدیت ژنرال بهرام چوبین شد که با
شاه متو فادر گیری ی بیداکر دهمد.

خسرو پرویز چون یارای ایستادگی در برابر ژنرال بهرام (زاده منطقه ری) را نداشت ۲۳ نوامبر سال ۵۸۹ میلادی به قسطنطنیه (استانبول) فرار کرد تا از موریس امپراتور روم شرقی (بیزانترین) کمک بخواهد.

موریس که در انتظار چنین فرصتی بود یک سپاه کاملاً در اختیار خسرو دوم قرار داد.

این سپاه رومی با کمک هواداران داخلی خسرو، در جنگ سال ۵۹۱ میلادی بهرام را شکست دادند و خسرو دوم بر تخت نشست.

فتحه یک اشتباه

۲۳ نوامبر ۶۳۶ میلادی و چهار روز پس از شکست نظامی امپراتوری ایران در نبرد قادسیه و عقب نشینی باقیمانده یگان‌ها از پل عتیق و به مخاطره افتادن تیسفون (پایتخت)، جلسه بزرگان کشور برای چاره جویی در کاخ سلطنتی (ایوان مدائن - طاق کسرا) تشکیل شد.

حاضران در جلسه پس از شنیدن گزارش جنگ پیشنهاد کردند که پایتخت به شهر استخر (شیراز) منتقل شود زیرا که عرب مهارت جنگ صحرائی دارد نه کوهستانی و رسیدن به استخر مستلزم عبور از کوهستان است.

یزدگرد سوم (شاه وقت) این پیشنهاد را نپذیرفت و ورد
این پیشنهاد به باور مورخان، نقطه پایان بر عمر امپراتوری
ایران در عهد باستان گذارد.

درویش خان درگذشت

غلامحسین درویش (درویش خان) از پدران موسیقی معاصر ایران یکم آذر ۱۳۰۵ خورشیدی در یک رویداد رانندگی در خیابان امیریه تهران مجروح و چند ساعت بعد پس از انتقال به بیمارستان درگذشت. وی هنگام فوت ۵۴ ساله بود.

درویش خان موسیقی را در دارالفنون تحصیل کرده بود و نه تنها یک نوازنده تار و سه تار بود بلکه دستگاههای موسیقی سنتی ایران را به هفت دستگاه تبدیل کرد و آهنگهای فراوان ساخت که ۲۲ آهنگ آن به جای مانده است.

www.iranianshistoryonthisday.com

قاب امروز



مسابقات قهرمانی مینی گلف در یارک اثل گلی تبریز - عکاس: علی حامد حق دوست - ایرنا

داستانک

آسمان

همیشه خودش را دستِ کم می‌گرفت و هیچ‌جا
ایبی نمی‌شد، مخصوصاً این روزهای پیری که
به سدلِ ب‌دست و باله‌شود.

آن روز پروانه ای بادیدن قیافه غمگین او به نزدیکش
روگفت:

خودت را باور کن، تو آسمانی خواهی شد. فکر کرد
پروانه مسخره اش می کند. با گریه رفت کنار یک سنگ
قائم شد و همان جا از ناراحتی شروع کرد به دور خود
پایله بستن. مدتی بعد بادو بال رنگین از پایله خارج شد.
کرم پروانه ای زیبا شده بود که می توانست در آسمان ها
به روزه در آید.

مصطفیٰ جتوئی - اسبھاگریہ نمی کنند

۴۲۹.

جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

خوشبختی انگلستر	کار آزموده و با تجربه	ریشه	عروسی در کنار دارا	خمیدگی کاغذ		برنده نوبل ادبی ۱۹۹۷	یک میلیون میلیون
←	↓	↓	↓	↓		↓	↓
واقعه	←			R	←		
پرده نقاشی	M	عقاید نشر فرانسوی	←	شهر کاشف الکلی بعد از طلا	←		
←	↓	نوینسده در انتظار گدو مهره شطرنج	←	↓			
		↓	اطاعت از خداوند لحظه	←			
اسراف کننده پرگه دریافت کالا شهر بوشهر قلم تخته سیاه	←		ترمیم فرش	←			
			قوم آتیلا	←			
از بسونده ها	قابله	خواب آلود					
بلند از استان ها	↓	↓	↓				
←							
مجلس روسیه هدر دادن	←						
←							

حل

۴۲۸۹

حل

५२१९

سودو کو

۱۷۷۷

5					2		6	4
	6					3	9	
3							1	7
	5				3	9		
			7		6			
		6	1				5	
6	7							8
	8	3					2	
4	2		6					5

6	2	8	2	7	9	1	5	4
1	5	4	6	3	8	2	7	9
2	7	9	1	5	4	6	3	8
8	6	2	9	4	2	7	1	5
7	2	1	8	6	5	9	4	3
9	4	5	3	1	7	8	6	2
5	8	6	7	9	3	4	2	1
3	1	2	4	8	6	5	9	7
4	9	7	5	2	1	3	8	6

حل ۱۷۷۶



پزشکیان: مسأله قومیت‌ها بهانه‌ای برای ایجاد تفرقه در کشور نشود



تبریز- خبرنگار اطلاعات: نائب رئیس مجلس شورای اسلامی تشکیل فراکسیون مناطق ترک نشین در مجلس شورای اسلامی را فرصتی مغتنم برای تحقق حقوق مسلم اقوام در کشور خواند. مسعود پزشکیان نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس شورای اسلامی در واکنش به برخی اظهارنظرهای تند علیه اقوام و تشکیل این فراکسیون در گفت و گو با خبرنگار نصر اظهار داشت: مخالفت و واکنش‌های منفی علیه تشکیل فراکسیون نمایندگان مناطق ترک نشین در مجلس شورای اسلامی دو دسته هستند. برخی‌ها از سر دلسوزی این موضوع را نقد می‌کنند که بی‌تردید باید این نقدها را شنید ولی برخی منتقدان سخنان بی‌ربطی را مطرح می‌کنند که نه از نظر اعتقادی و نه انسانی صحیح است البته این نوع انتقادات از آن سوی مرزها نیز شنیده می‌شوند. پزشکیان خطاب به منتقدان تشکیل این فراکسیون تاکید کرد: مواظب باشید دشمنان این مرز و بوم قومیت‌ها را بهانه‌ای برای ایجاد تفرقه و دشمنی در کشور تبدیل نکنند.

این نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: همه ایرانیان از اقوام مختلف در کنار فرهنگ و تاریخ مان باید کشور را بسازیم و نباید این اجازه را به برخی فرصت‌طلبان بدهیم که به بهانه قومیت‌ها فرصت‌ها را به تهدید تبدیل کنند، اما این قبیل واکنش‌های تند به یک مطالبه به حق اقوام اختلاف افکن است.

گزارش نصر می‌افزاید، به دنبال تشکیل فراکسیون نمایندگان مناطق ترک نشین در مجلس شورای اسلامی برخی از رسانه‌ها و چهره‌های سیاسی پایتخت نسبت به این موضوع واکنش‌های تندی نشان دادند که این امر با واکنش نمایندگان مناطق ترک نشین همراه بوده است.

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت تاکید کرد:

لزوم گره‌گشایی از توسعه شرکت مس آذربایجان



تبریز- خبرنگار اطلاعات: رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت آذربایجان شرقی تاکید کرد: باید از مسئله توسعه شرکت مس آذربایجان گره‌گشایی شود. به گزارش نصر، "حسین نجاتی" در هفدهمین جلسه کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید آذربایجان شرقی با انتقاد از توقف طرح توسعه تغلیظ و ذوب مجتمع مس سونگون، گفت: باید از مسئله توسعه شرکت مس آذربایجان گره‌گشایی شود. وی با تاکید بر اینکه صنعت مس یکی از راهبردهای توسعه صنعتی آذربایجان شرقی است، گفت: توسعه مجتمع مس سونگون به توسعه آذربایجان گره خورده است. نجاتی گفت: بخش بزرگی از تحقق اقتصاد مقاومتی به رفع موانع توسعه مجتمع مس سونگون وابسته است و بخش معدن آذربایجان شرقی نقش مهمی در تحقق اقتصاد مقاومتی دارد.

آذربایجان شرقی رتبه اول سیگاری‌های کشور را دارد



مجموع می‌توان گفت سالانه در حدود ۶ میلیون مرگ در اثر مصرف دخانیات رخ می‌دهد.

تبریزی افزود: اگر روند کنونی مصرف دخانیات ادامه یابد، تعداد مرگ‌های ناشی از مصرف دخانیات در جهان به هشت میلیون نفر در سال ۱۴۰۰ شمسی خواهد رسید و بر اساس برآورد سازمان جهانی بهداشت در کشور ما سالانه ۶۰۰ هزار مرگ به علت بیماری‌های وابسته به مصرف دخانیات به ویژه سیگار و قلیان بوده است. وی با بیان اینکه شیوع استعمال سیگار ۲۱٫۳ درصد در مردان و ۹ درصد در زنان با متوسط ۱۰٫۱۳ نخ سیگار در روز است، افزود: روند استعمال سیگار در استان آذربایجان شرقی بسیار نگران‌کننده است به طوری که ۲۸٫۵۱ درصد مردان و حدود یک درصد زنان سیگار مصرف می‌کنند و متأسفانه این روند در مناطق روستایی رتبه اول و در مناطق شهری رتبه دوم در کشور را داراست که معادل با یک درصد ناخالصی کشور از نظر هدر رفت است.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی تبریز:

درمان هپاتیت 'بی' و 'سی' در آذربایجان شرقی رایگان می‌شود



راه‌های انتقال و عدم انتقال هپاتیت ب و ث

کرده است.

صومی، ادامه داد: در اجرای این طرح در استان آذربایجان شرقی بیش از ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر خدمات درمانی دریافت کرده‌اند.

سلامت را از اقدام‌های مهم دولت تدبیر و امید اعلام کرد و اظهار کرد: در جامعه ۳۰ تا ۴۰ درصد افراد حتی توان پرداخت حداقل هزینه درمانی را ندارند و این طرح نقش به‌سزایی در کمک به این افراد ایفا

تبریز- خبرنگار اطلاعات: رئیس دانشگاه علوم پزشکی تبریز ابراز امیدواری کرد در صورتی که اتفاق خاصی نیافتد، درمان هپاتیت نوع 'بی' و 'سی' تا دو ماه آینده در استان رایگان انجام شود.

به گزارش ایرنا، محمدحسین صومی در نشست شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان با بیان اینکه در زمان حاضر بیماری‌ایدز به صورت رایگان درمان می‌شود، افزود: در سال ۲۰۲۰ باید میزان بیماری هپاتیت 'بی' و 'سی' در دنیا کاهش یابد و ما هم در حال تهیه داروهای این بیماری هستیم.

وی با بیان اینکه دانشگاه علوم پزشکی در تمامی موارد بهداشتی و درمانی خود را مسئول می‌داند، یادآوری کرد: مواد مخدر ام‌الفساد تمام مسائل در جامعه بوده و باید برای مقابله با آن اقدام‌های اساسی انجام شود. رئیس دانشگاه علوم پزشکی تبریز اجرای طرح تحول

استاندار آذربایجان شرقی:

هنر مسئولان، مدیریت اعتبارات غیر دولتی است

تبریز- خبرنگار اطلاعات: استاندار آذربایجان شرقی گفت: هنر مسئولان دولتی مدیریت منابع مالی و اعتبارات غیر دولتی است.

به گزارش مهر، اسماعیل جبارزاده در همایش توسعه روستایی آذربایجان شرقی اظهار داشت: در زمان‌های گذشته افزایش قیمت نفت باعث عدم توجه به کشاورزی و ورود محصولات کشاورزی از خارج به کشور و این امر باعث خالی از سکنه شدن روستاییان از روستاها شد و فعالیت‌های کشاورزی در روستاهای استان کاهش یافت.

معاون استاندار آذربایجان شرقی:

«LEZ» جایگزین طرح زوج و فرد در تبریز می‌شود

پیشنهاد جدید افزایش یافته که باید تا ۱۰ روز نهایی شده و برای اجرا ابلاغ کنیم. معاون عمرانی استاندار آذربایجان شرقی با تأکید بر اینکه با این طرح خودروهایی که معاینه فنی ندارند اجازه ورود به این محدوده را نخواهند داشت، ابراز داشت: خودروها کدبندی شده و رنگ زیست‌محیطی دریافت می‌کنند تا محدوده‌ای که امکان ورود به آن محدوده را دارند براساس آلایندگی مشخص شود.

پورمهدی در ادامه با اشاره به ترافیک بالای برخی از خیابان‌های تبریز، اظهار داشت: تعدادی از این خیابان‌ها باید یک طرفه شوند چراکه ظرفیت

تبریز- خبرنگار اطلاعات: معاون عمرانی استاندار آذربایجان شرقی با بیان اینکه محیط‌زیست معتقد است که بیش از ۷۰ درصد آلودگی شهر تبریز مربوط به محدوده مرکزی تبریز است، گفت: اجرای زوج و فرد بخشی از این موضوع را حل می‌کند ولی طرح جدید LEZ جایگزین خوبی برای زوج و فرد است.

به گزارش تسنیم، محمدصادق پورمهدی در جلسه شورای ترافیک آذربایجان شرقی با اشاره به اینکه طرح زوج و فرد برای کنترل میزان آلودگی منطقه مرکزی شهر باید اجرایی شود، اظهار داشت: وسعت قبلی مشخص‌شده کوچک بود ولی در



آگهی مزایده شهرداری شبستر

مرحله دوم نوبت دوم

شهرداری شبستر در نظر دارد باستناد بند ۱ مصوبه شماره ۹۰ شورای محترم شهر یک دستگاه لودر فیات آلیس FR ۲۰ مدل ۱۳۶۲ خود را از طریق مزایده واگذار نماید. علاقمندان می توانند از تاریخ انتشار آگهی لغایت ۹ روز به شهرداری مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند.

چاپ مرحله دوم نوبت اول: ۹۵/۸/۲۴

چاپ مرحله دوم نوبت دوم: ۹۵/۹/۲

سیروس اشرفی
شهردار شبستر

آگهی مزایده شهرداری شبستر

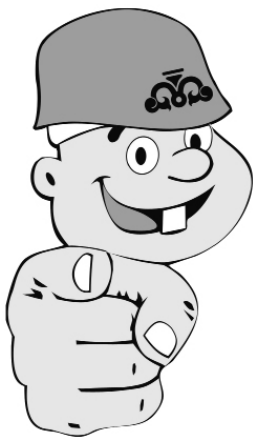
مرحله اول نوبت دوم

شهرداری شبستر در نظر دارد باستناد مجوز شماره ۹۷ شورای محترم تعدادی از املاک خود را از طریق مزایده به فروش برساند. علاقمندان و واجد این شرایط می توانند از تاریخ انتشار آگهی لغایت ۹ روز به شهرداری مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند.

چاپ مرحله اول نوبت اول: ۹۵/۸/۲۴

چاپ مرحله اول نوبت دوم: ۹۵/۹/۲

سیروس اشرفی
شهردار شبستر



هم وطن!

برای حفظ زندگی اجتماعی و تربیت فرزندان، بهترین گزینه، احترام گذاشتن به قوانین است.

- احترام به قانون یعنی تربیت بهتر فرزندان

- احترام به قانون یعنی پایین آوردن احتمال وقوع حوادث تلخ

- احترام به قانون یعنی حفظ ثروت های ملی

- احترام به قانون یعنی حفظ محیط زیست و زیربنای اقتصادی کشور برای آیندگان

- احترام به قانون یعنی احترام به خویش



روابط عمومی شرکت گاز آذربایجان شرقی

راهپیر، رسانه مهریان در ایام بحران

گزارش از نفیسه انصاری دین



صبح را که آغاز می کنی، زندگی شروع می شود. از کنار روزنامه های چیده شده رد می شوی بدون اینکه بخوای حتی اصلی ترین تیتورها را ببینی. اخبار را دوست داری، اما این روزها آن را از تلگرام و سایت های خبری دنبال می کنی. تلویزیون تبدیل شده به وسیله سرگرمی و تفریح. با فوتبالت کیف می کنی و هیجان زده می شوی و با سریال ها و فیلم های سینمایی اش اوقات فراغت را پر می کنی. در ماشین هم که می نشینی دوست داری موزیک مورد علاقه ات را بشنوی. همه اینها در شرایط عادی است!

یک لحظه به این فکر کن که فاجعه ای طبیعی زندگی تو را زیر و رو کند. در این شرایط تنها بدنبال کسب اطلاعات درست هستی. سردر گم نمی دانی دقیقا چه اتفاقی رخ داده ... نمی دانی اطرافت چه می گذرد ... و تو به اطلاعات درست نیازمندی تا حتی مسیر کمک رسانی دقیق را بدانی!!

شاید اگر یک رادیوی ترانزیستوری کنارت باشد بتوانی به هدفت برسی، بله! همان وسیله ای که این روزها در شرایط عادی زندگی محلی به آن نمی گذاشتی و توجهی به آن نمی کردی. همین وسیله کوچک و ارزان، در شرایط بحرانی همچون زلزله می تواند کمک حال خیلی ها باشد. می تواند به تو اطلاعات و اخبار درست را برساند، می تواند به تو آموزش دهد که در شرایط بحرانی چه کنی و می تواند تو را برای آینده ای امید بخش آماده سازد. فقط کافیت رادیو را گوش کنی...

مرداد ماه سال ۱۳۹۱ ورزقان ما با زلزله ای خسارت بار و فجیع روبرو شد. عزیزان هموطنی که در زیر آوارها ماندند و جان دادند و خانه هایی که ویران شدند. قبل از زلزله ورزقان، خسارت بارترین زلزله، زلزله بم بود. نقش جعبه کوچک گویا در زلزله بم،

از سومین روز بعد از زلزله خود را نشان داده بود. البته عمق فاجعه زیاد بود. ده سال بعد در زلزله ورزقان این جعبه کوچک ساعاتی بعد از زلزله در محل حادثه به صدا درآمده و امیدهای نوید بخش را در دل های بحران زده ها و آسیب دیده ها به جریان انداخت.

سؤال این است: چرا رسانه رادیو تبدیل به رسانه بحران شده است؟ رادیو شاید در شرایط عادی مخاطبان کمی داشته باشد اما در شرایط بحرانی تنها رسانه سریع و بدرخور و قابل استفاده است!! و چطور می شود ساعاتی بعد از وقوع زلزله، رادیو امید در محل حادثه خود را نشان می دهد و شروع به ارائه اخبار می کند؟

محمد مرسلی صدا بردار با تجربه صدای مرکز تبریز می گوید: رادیو، قابل مقایسه با رسانه های دیگر نیست، چون برای رو پا بودن به امکانات محدودی نیاز دارد. شما می توانید با یک خط تلفن، یک ایستگاه رادیویی با چند صد کیلومتر فاصله ایجاد کنید. حتی با کارهای ابداعی در حال حاضر، رادیو با موبایل هر جایی می تواند برود. در بحث ورزقان هم همین اتفاق افتاد. ما جزو اولین اکیپ های اداری بودیم که به محل حادثه رسیدیم. دو- سه ساعت بعد

از زلزله براه افتادیم. با وضعیت سختی روبرو بودیم. جاده در چند جا شکاف پیدا کرده بود. جاده شلوغ و ترافیک بود. وقتی آنجا رسیدیم برق نبود. ما چهار نفر بودیم و یک واحد سیار که فقط به برق نیاز داشت، یا موتور که ۲۲۰ ولت برق را تامین کند. خوشبختانه همکار عزیزمان آقای اصلانی به اندازه کل اداره برق شهرستان ورزقان کارآیی و تجربه داشت و توانست برق مورد نیازمان را تامین کند.

وی ادامه می دهد: به نظر من نقش اولیه رادیو و رسانه های دیگر آموزش قبل از بحران است تا مردم را برای زمان بحران آماده سازند. نقش رایو امید در زمان بحران بیشتر همدردی و تسکین آسیب دیدگان و بازماندگان بود که البته بخش آموزش و اطلاع رسانی و درخواست کمک از شبکه های مختلف را نیز به همراه داشت. آموزش در مورد نحوه کمک رسانی و چگونگی درآوردن افراد از زیر آوار، حتی آموزش به پدر و مادری که نمی دانست با چشمان پر از خاک کودکش چه کند! لذا توصیه من به همه این است که همیشه یک رادیوی جیبی ترانزیستوری در خانه داشته باشند.

لیلی مرتضویان، گوینده با سابقه رادیو تبریز نیز از تجربه

هایش در رادیو امید چنین می گوید: در بحران های طبیعی زیر ساخت های شهری دچار آسیب می شوند، پس طبیعتا با یک رادیوی دو موج و چند باتری می توانید سریع ترین ارتباط را از رادیو بگیرید. ما در رادیو امید ساعاتی بعد از زلزله با یک گروه حرفه ای وارد عمل شدیم. البته در زلزله بم نیز توانسته بودیم مخاطب بیشتری را برای کمک رسانی جذب کنیم و تاثیر گذاری بیشتری در جذب کمک های مردمی داشتیم.

روز زلزله آقای نوروزی از جایگاه تهیه کننده، نویسنده، گوینده و گزارشگر به موضوع نگاه کردند و بعنوان مدیر تولید احساس کردند که رادیو باید در ساعات اولیه آنجا حضور داشته باشد. برای من گوینده در آن شرایط بحرانی، پیدا کردن ادبیاتی مناسب که بشود با این آدم ها صحبت کرد، کار سخت و دشواری بود.

من به تجربه دیدم کسانی که اهل رادیو نبودند در آن شرایط بحرانی فقط به رادیو پناه آوردند. از مردمی که بعدها بواسطه برنامه های مختلف شنیدم که ما از روزهای بحران با شما دوست شدیم و دیدیم چقدر رادیو می تواند با ما مهربان باشد، چقدر می تواند صادق و کمک حال باشد.

ما در آن زمان از لحظه ای که رادیو امید شروع به کار کرد تا ظهر روز فردای بعد از زلزله نزدیک ۵۰۰ ارتباط رادیویی با شبکه های مختلف مراکز برقرار کردیم.

پس عزیزان یادمان نرود در بعضی از بحران ها همچون زلزله، به دلیل آسیب های زیر ساختی شهری و روستایی هیچ رسانه ای توان ایفای نقش رادیو را نمی تواند داشته باشد.

یادمان نرود تکانهایی که ما را هر از چند گاهی از خواب می پراند هشدار می دهد است برای تکان های شدیدتر، پس خودمان را برای بحران های جدی آماده کنیم که در این مورد آموزش قبل از بحران حرف اول را می زند. یادمان نرود رادیو همچنان مخاطبان خاص خودش را دارد پس با رادیو مهربان باشیم.

مدیرعامل "شهر کتاب" تبریز:

مسئولان تغییر کاربری کتابفروشی ها را جدی بگیرند

۱۳۰ نفر فرصت اشتغال ایجاد کرده است.

چمنی درباره جلسات نقد و بررسی کتاب در این مجموعه گفت: جلسات نقد و بررسی کتاب جمعه اول هرماه و آخر هر ماه از ساعت ۲ تا ۴ انجام می شود که در بین این سه هفته کتاب و یا رمانی به دوستان معرفی می شود تا مطالعه کنند و در جلسه آن کتاب را به نقد و بررسی بپردازیم، این جلسات برای همه عموم آزاد است و همه در این جلسات می توانند حضور پیدا کنند و نظرات خود را در مورد کتاب ها بدهند.



وی اذعان داشت: طرح پاییزه که در بخش کتاب فقط می باشد یک طرح فراخوان برای کتابخوانی است که به صورت کشوری در تمام شعب شهر کتاب در کشور انجام می شود و امیدواریم یکی از هشت نمایندگان برتر کشور باشیم، این طرح از ۲۴ آبان تا ۲۴ آذر می باشد که شامل ۲۰ تا ۲۵ درصد تخفیف می باشد.

وی در پایان خاطرنشان شد: اگر قیمت کتاب ها پایین بیاید بدون شک استقبال مردم نیز افزایش پیدا خواهد کرد و ما این امکان را برای شهروندان عزیز در ماه سه بار با تخفیف ۲۰ درصدی فراهم می کنیم تا فرهنگ کتابخوانی افزایش یابد.

امروزه مجموعه شهر کتاب با ۳۰ هزار عنوان کتاب به همراه ۱۱۰ هزار جلد کتاب یکی از بزرگترین مجموعه های کتاب های غیر دانشگاهی و غیر درسی تبریز است.

چمنی در ادامه با اشاره به اهداف در نظر گرفته این مجموعه گفت: یکی از اهداف ما برای این سرمایه گذاری ها افزایش یک دهم فرهنگ کتابخوانی در شهرمان است. این که بتوانیم فرهنگ کتابخوانی را در جامعه افزایش دهیم بی شک به هدفمان رسیده ایم.

وی ادامه داد: برای این هدف روزانه باید ۱۰ دقیقه تا یک ربع کتابخوانی را در شهرمان افزایش دهیم.

مدیرعامل مجموعه شهر کتاب تاکید کرد: شهر کتاب در ماه سه بار تخفیف برای بخش کتاب تدارک دیده است و حجم بزرگی از مشتریان در این روز ها کتاب ها را خریداری می کنند.

وی ادامه داد: با تمام انتشارات و نویسندگان به خوبی رابطه برقرار کردیم و تازه ترین کتاب ها را سعی می کنیم وارد قفسه های این مجموعه بکنیم.

وی افزود: اعتقاد داریم اگر کتاب در جریان باشد فرهنگ کتاب و کتابخوانی هم جایگاه خود را به دست خواهد آورد و از طرف دیگر فروشگاه هم به صورت پویا جریان پیدا می کند.

چمنی درخصوص برنامه های آتی مجموعه افزود: برای تبریز ۲۰۱۸ برنامه های مختلفی داریم و برای هر بخش از مجموعه سعی شده است لیسانس های زبان های مختلف را به کار بگیریم تا در هنگام مراجعه توریست های کشورهای مختلف به راحتی ارتباط برقرار کنیم.

وی اذعان داشت: در شهر ما چندین کتاب فروشی بسته شده و به جای آن ها موبایل فروشی شروع به کار کرده است که این یکی از معضلات جامعه است و باید فکری به این حال شود.

وی در خصوص میزان اشتغال این مجموعه گفت: مجموعه شهر کتاب به صورت مستقیم ۲۹ نفر و به صورت غیر مستقیم بالای



مدیرعامل مجموعه "شهر کتاب" با تاکید بر ارزش جایگاه فرهنگ کتابخوانی گفت: اینکه در جامعه ما کتابفروشی تعطیل می شود و به جای آن موبایل فروشی شروع به کار می کند یکی از معضلات جدی است و مسئولان باید این رویداد را جدی بگیرند.

حمیدرضا صیاد چمنی در گفتگو با نصر افزود: شهر کتاب در بخش های تحریر، کتاب، گالری، کودک و موسیقی فعالیت فرهنگی خود را انجام می دهد و در کنار این بخش ها کافه کتاب نیز برای رفاه حال مراجعان در نظر گرفته شده است.

وی خاطرنشان کرد: بخش آنلاین فروش اینترنتی کتاب را به تازگی به این مجموعه اضافه کردیم که به کل ایران با این روش می توانیم کتاب ارسال کنیم.

وی ادامه داد: با سرمایه گذاری های صورت گرفته می خواهیم در تبریز بزرگترین فرهنگ کتاب در کشور را راه اندازی کنیم و امروز در پیشبرد این هدف بیشترین کتاب را به تهران صادر می کنیم و روزانه ۱۰۰ تا ۱۵۰ کتاب در بخش آنلاین به فروش می رسد که البته این مورد هنوز قابل قبول نیست و باید بیشترین حجم کتاب به فروش برسد.

وی اذعان داشت: کتاب در جایگاه بالا و با ارزشی قرار دارد و

◀ ویژه نامه روزنامه اطلاعات در آذربایجان شرقی

◀ مسئول ویژه نامه: کاظم نیک رفتار

◀ پست الکترونیک: tabriz@ostan.org

◀ نشانی: تبریز - خیابان آیت ا... طالقانی - پلاک ۱۳۹

◀ تلفن: ۳۵۵۰۲۵۹۰ نمابر: ۳۵۵۶۳۱۴۱

◀ لیتوگرافی و چاپ: شرکت ایران چاپ (موسسه اطلاعات)

خبر

آذربایجان شرقی جزو ۶ استان برتر در طرح پاییزه کتاب است

تبریز - خبرنگار اطلاعات: مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی در بازدید از کتابفروشی های تبریز که به مناسبت هفته کتاب انجام گرفت، گفت: آذربایجان شرقی جزو شش استان برتر در طرح پاییزه ی کتاب است. به گزارش هم نوا، "محمد محمدپور" گفت: استان های تهران، خراسان رضوی، اصفهان، خوزستان، گیلان و آذربایجان شرقی جزو پرفروش ترین استان ها در طرح پاییزه کتاب هستند. وی، این طرح را گام مثبتی در راستای ترویج فرهنگ مطالعه عنوان کرد و افزود: مردم جامعه ای موفق هستند که خواندن کتاب کار همیشگی آنها باشد و کتاب را از مهمترین جلوه های فرهنگی و گران سنگ ترین پدیده بدانند.

محمدپور خاطرنشان کرد: در طرح «پاییزه کتاب» برای کتاب های حوزه بزرگسال ۲۰ درصد تخفیف و برای کتاب های حوزه کودک و نوجوان ۲۵ درصد تخفیف در نظر گرفته شده است. وی افزود: این طرح همزمان با بیست و چهارمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران از ۲۴ آبان ماه تا ۲۴ آذر ماه در کتابفروشی های عضو این طرح اجرا می شود.

محمدپور تصریح کرد: در این طرح سقف تخفیف برای هر کتابفروشی حداقل ۲۰ میلیون ریال و سقف مجاز خرید برای هر خریدار با ارائه کارت ملی، حداکثر یک میلیون ریال است و خریدار هم می تواند در چند نوبت و از چند کتابفروشی عضو طرح «پاییزه کتاب»، آثار مورد نیاز خود را خریداری کند.

گفتنی است این طرح در ادامه ی طرح های موفق عیدانه کتاب و طرح تابستانه که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اجرا شده، در حال برگزاری است.

۳ درصد جمعیت استان زیر پوشش کمیته امداد

تبریز - خبرنگار اطلاعات: معاون حمایت و سلامت خانواده کمیته امداد آذربایجان شرقی گفت: بیش از ۳۶ هزار زن سرپرست خانوار تحت حمایت کمیته امداد استان آذربایجان شرقی هستند که ۵۵ درصد از جمعیت مددجویان را تشکیل می دهند.

به گزارش هم نوا، خالد سیار اظهار داشت: ۳۶ هزار و ۶۰۹ زن سرپرست خانوار تحت حمایت کمیته امداد استان هستند که ۵۵ درصد از جمعیت مددجویان را تشکیل می دهند.

وی با اشاره به اینکه ۶۶ هزار خانوار تحت پوشش کمیته امداد استان آذربایجان شرقی هستند، اظهار کرد: پرداخت کمک معیشت، اعطای کارت درمان، پرداخت هزینه تحصیل دانشجویی و دانش آموزی، پرداخت کمک درمان بیماران صعب العلاج، پرداخت کمک جهیزیه، پرداخت وام کارگشایی، رفع مشکلات حقوقی، برگزاری کلاس آموزشی خانواده، مشاوره فردی و گروهی، برگزاری اردوهای زیارتی و تفریحی از جمله خدمات این نهاد به مددجویان و زنان سرپرست خانوار در طول سال است.

وی با بیان اینکه ۳۱ هزار خانوار به علت فوت سرپرست تحت پوشش کمیته امداد استان هستند، افزود: چهار هزار و ۱۲۹ خانوار به علت طلاق، ۸۲۹ خانوار به علت زندانی شدن سرپرست، ۸۷ خانوار سربازان، ۲۱۱ خانوار بد سرپرست تحت پوشش کمیته امداد استان هستند.

سیار با بیان اینکه ۵۵ درصد از مددجویان تحت حمایت این نهاد زن و بقیه مرد هستند، اظهار کرد: اغلب مددجویان به علل فوت سرپرست، از کار افتادگی سرپرست، بیماری سرپرست، طلاق یا زندانی بودن همسر تحت حمایت این نهاد قرار گرفته اند.

وی با بیان اینکه خوشبختانه میزان آسیب های اجتماعی در بین مددجویان تحت حمایت این نهاد پائین است، افزود: شش درصد از خانوارهای مددجویان به علت طلاق و ۲ درصد به علل بد سرپرستی، زندانی و سرباز بودن سرپرست خانوار تحت حمایت کمیته امداد استان قرار گرفته اند.

معاون حمایت و سلامت خانواده کمیته امداد استان آذربایجان شرقی با بیان اینکه بیش از ۶۶ هزار خانوار تحت حمایت این نهاد هستند، اظهار داشت: حدود سه درصد از جمعیت این استان تحت پوشش کمیته امداد هستند.

بزرگترین مشکل صادرات منشی فرش دستباف است

رئیس اتحادیه فرش فروشان تبریز در گفتگوی اختصاصی با اطلاعات:



قسمت دوم

گفتگو از صادق رنجبری - زهرا حسین زاده
عکس از پریسا رضاپور

فرهاد چمنی رابطه بین فرش دستباف و نرخ بیکاری را بسیار با اهمیت دانسته و افزود: در حدود ۱۵ سال پیش که بازار و فروش فرش از رونق خوبی برخوردار بود نرخ بیکاری در استان آذربایجان شرقی نسبت به سایر استانها بسیار کم بود. طبق آمار در سال های ۷۵ و ۷۶ نرخ بیکاری در کشور حدود ۱۳ درصد اعلام شده بود که در استان آذربایجان شرقی حدود ۷ درصد بود. درحقیقت ارتباط بین بیکاری و رونق فرش در منطقا ما بسیار نزدیک و با اهمیت است و هرچه فروش و صادرات فرش از رونق خوبی برخوردار باشد طبیعتا دربخش تولید و اشتغال نیز شاهد رونق و کاهش بیکاری خواهیم بود.

وی صادرات فرش ایران را درحال حاضر صادرات صنفی دانسته و گفت: الان بزرگترین مشکل دولت در زمینه فرش، صادرات منفی فرش دستباف است. برای مثال دولت اجازه دارد تا فرش هایی را که در دهه های ۸۰ و ۷۰ از کشور صادرشده از اروپا و امریکا خریداری و به کشور بازگرداند. نرخ تورم در کشورهای مذکور بسیار پایین بوده و همین باعث عدم تعادل قیمت درداخل می شود. مثلاً دراروپا فرش ۱۵ سال پیش به قیمت ۱۵ هزاردلار خریداری شده به دلیل این که نرخ تورم پایین بوده و تقریباً قیمت ثابت مانده است. این درحالی است که درایران طی این دو دهه نرخ تورم بارها و بارها افزایش یافته وقتی این فرش به قیمت ۱۵ سال پیش درآنجا خریداری شده و به کشور بازگردانده میشود باعث ایجاد یک امتیاز به نفع افراد سودجو میشود.

وی ادامه داد: یک فرش ۶متری که به قیمت ۵ هزار دلار در آن سال ها فروخته شده بود، الان حدودا ۱۵ هزار دلار برای خودمان تمام میشود. دلیل این کار این است که هنگام صدور فرش از کشور وقتی شناسنامه صادر نمی شود و عملاً گمرک هیچ نظارتی برصدور شناسنامه نداشته باشد، فرش هایی که از کشور هایی اروپایی خریداری شده است به بهانه این که فروخته نشده وارد کشور شده و باعث نابودی تولید داخلی خواهد شد.



حسن انجام معاملات توسط اتحادیه اظهارداشت: اصلی ترین مشکل معاملات در اکثر حوزه ها صدورچک بوده وعدم نظارت و اعمال قانون که توسط بانک ها به دارندگان چک انجام می دهند باعث بروز برخی مشکلات درمعاملات می شود. در حالی که باید چک

تفاهمنامه آزادی تردد خودرو میان ایران و ارمنستان امضا شد



متقابل بدون نیاز به اخذ مجوز فراهم شده و رفت و آمد بدون وجه تضمین و پرداخت حق خاک انجام می گیرد.

رئیس کمیته درآمدهای دولتی ارمنستان نیز اعلام کرد که اجرایی شدن هر بند از تفاهم امضا شده سبب می شود در مدت کوتاهی به اصل یک پنجره برای اجرا دست پیدا کنیم.

همچنین تشریفات گمرکی برای دست اندرکاران فعالیت های اقتصادی و گردشگران به صورت متقابل تسهیل خواهد شد.

تبریز - خبرنگار اطلاعات: در جریان مذاکرات هیات گمرک جمهوری اسلامی در ایروان پایتخت ارمنستان، دو کشور با هدف افزایش توسعه گردشگری، یادداشت تفاهم آزاد شدن تردد خودرو را امضا کردند.

به گزارش ایرنا، این تفاهم نامه در جریان مذاکرات هیات ایرانی به ریاست مسعود کرباسیان رئیس کل گمرک و با حضور سید کاظم سجادی سفیر ایران در ایروان با طرف ارمنستانی امضا شد.

بنا به توافق دو کشور، امکان تردد خودرو به صورت

دبیر ستاد ملی احیای دریاچه ارومیه:

ادامه روند احیای دریاچه ارومیه نیازمند تخصیص اعتبار است

کنیم، اما شرط ادامه این روند تخصیص اعتبارات لازم از سوی دولت است.

عیسی کلانتری در خصوص آخرین وضعیت روند احیای دریاچه ارومیه به خبرنگار «نصر» گفت: متأسفانه دولت هنوز بودجه ای برای احیای دریاچه ارومیه تخصیص نداده است.

وی گفت: هر چند دولت مشکل مالی دارد، اما امیدوارم با توجه به وضعیت بحرانی و اهمیت احیای دریاچه ارومیه، مشکل عدم تخصیص بودجه به طرح های احیای دریاچه ارومیه را حل کند.

دبیر ستاد ملی احیای دریاچه ارومیه گفت: قرار بود دولت از محل ماده ۱۲ و ماده ۱۰ در سال جاری ۱۲۰۰ میلیارد تومان به طرح های احیای دریاچه



تبریز - خبرنگار اطلاعات: دبیر ستاد ملی احیای دریاچه ارومیه گفت: در خصوص پیشرفت طرح های نجات بخش دریاچه ارومیه گفت: از نظر فنی روند درستی برای احیای دریاچه ارومیه طی می

ارومیه تزریق اعتبار کند، اما تا امروز اعتباری برای اجرای طرح های نجات بخش دریاچه ارومیه تزریق نشده است.

کلانتری ادامه داد: با توجه به مشکلات مالی دولت، مقرر شده بود فعلاً ۳۰۰ میلیارد تومان بودجه تخصیص داده شود تا کارها زمین نماند، اما ما هنوز منتظر تخصیص بودجه احیای دریاچه ارومیه هستیم و امیدوارم تا دو هفته آینده خبرهای خوبی در این خصوص بدهیم.

وی در خصوص پیشرفت طرح های نجات بخش دریاچه ارومیه گفت: از نظر فنی روند درستی برای احیای دریاچه ارومیه طی می کنیم، اما شرط ادامه این روند تخصیص اعتبارات لازم از سوی دولت است.